

10.30497/IFR.2021.240367.1598



20.1001.1.22518290.1400.10.2.4.1

Bi-quarterly Scientific Journal of "Islamic Finance Researches", *Research Article*,
Vol. 10, No. 2 (Serial 20), Spring & Summer 2021

Presenting the Proposed Model of Financing the Islamic Government and Examining Its Executive Capacity in Iran's Economy

Mohammad Mahdi Askari*
Ahmad Mohammadipour**

Received: 20/01/2021

Accepted: 15/09/2021

Abstract

One of the problems of financing the Iranian state is its dependence on oil revenues. This requires reforming the tax system and budgeting structure in the country. One of the least considered issues in this regard is paying attention to the mechanisms involved in Islamic economics. A survey of revenue resources and their expenditure indicates that in *sharia* a general structure has been dedicated to money allocation. This article addresses the issue of how to finance the Islamic government with due consideration of the prescribed tax mechanism. To do this, first, the model of state financing in the Islamic economic system is mentioned, and based on it, the recommended model is extracted in the presence of several *fiqh* authorities, and it is maintained that there should be a continuous cooperation and coordination between *fiqh* authorities and the Islamic government. According to this structure, the *fiqh* authorities should offer the funds collected by their offices throughout the country to the Islamic government. Decisions on *khums* and general endowments are made in the "Sharia Fund Coordination Council" consisting of representatives of *fiqh* authorities and the Islamic Government. The main task of this council is to decide on resources in line with common goals and to ensure transparency and prevention of parallel allocations of funds. Also, the executive capacity of the model has been examined and based on the calculations made, it has become clear that by designing an integrated mechanism including the religious payments such as *khums*, *zakat* and endowments, it can help the government to cover 90 percent of its budget apart from oil revenue. This can facilitate the implementation of divine commandments in society and motivate people to abide by their religious duties.


Keywords

Financing; Budget; Islamic Government; Khums; Zakat.

JEL Classification: H2, H5, K34, P4, Z12.

* Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). m.askari@isu.ac.ir

** Ph.D. Student of Economics, University of Tehran, Tehran, Iran. a.mohammadipour@ut.ac.ir

 0000-0002-5315-0972



https://ifr.journals.isu.ac.ir/article_75826.html





10.30497/ifr.2021.240202.1590

20.1001.1.22518290.1400.10.2.3.0

دو فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۰

مقاله پژوهشی، صص. ۴۹۵-۵۳۸

ارائه الگو پیشنهادی تأمین مالی دولت اسلامی و بررسی ظرفیت اجرایی آن در اقتصاد ایران

محمد مهدی عسکری*

احمد محمدی پور**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۷۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

بودجه ریزی و استقلال آن از نفت یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران به‌شمار می‌رود. این مهم نیازمند اصلاح نظام مالیاتی و ساختار بودجه‌نویسی کشور است. یکی از مواردی که در این راستا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد توجه به سازوکارهای در نظر گرفته‌شده در اقتصاد اسلامی برای تأمین مالی دولت اسلامی است. بررسی منابع درآمدی و مصارف آن بیانگر این است که شارع مقدس یک ساختار کلی را برای پرداخت‌های شرعی در نظر گرفته است. این مقاله به بررسی نحوه تأمین مالی دولت با توجه به نظام مالیاتی اسلام می‌پردازد. برای پاسخ به این مسأله ابتدا الگوی تأمین مالی اسلام در نظام اقتصاد اسلامی بررسی شده و براساس آن به استخراج الگو پیشنهادی خود در حالت وجود چند مرجع تقلید در نظام اسلامی پرداخته است و بیان می‌شود که باید یک همکاری و هماهنگی مستمر بین مراجع تقلید و دولت اسلامی تحت نظارت حاکم، ایجاد شود. در این ساختار مراجع نیز علاوه بر دولت اسلامی، بودجه خود را با توجه به دفاتر سطح کشور و ارتباطات مردمی ارائه می‌دهند. تصمیم‌گیری در مورد وجوهات خمس و موقوفات عام در «شورای هماهنگی وجوه شرعی» که نمایندگان مراجع و نمایندگان دولت اسلامی در آن حضور دارند انجام می‌شود. وظیفه اصلی این شورا تصمیم‌گیری برای منابع در راستای اهداف مشترک و جلوگیری از تخصیص‌های موازی و شفاف‌سازی در تخصیص وجوهات شرعی تحت نظارت حاکم جامعه است. همچنین در ادامه به بررسی امکان اجرایی بودن الگوی پیشنهادی پرداخته‌شده و ظرفیت پرداخت‌های شرعی از قبیل خمس، زکات، موقوفات و سایر پرداخت‌ها و مالیات‌ها برآمده از مبانی اسلام در اقتصاد ایران محاسبه شده است. بر این اساس روشن گردید که با طراحی سازوکار یکپارچه و براساس الگوی پیشنهادی، درآمدهای دولت برای سال‌های گذشته بدون احتساب درآمدهای نفتی بیش از ۹۰ درصد رقم بودجه آن سال را پوشش می‌دهد.

واژگان کلیدی

تأمین مالی؛ بودجه؛ دولت اسلامی؛ خمس؛ زکات.

طبقه‌بندی JEL: H2, H5, K34, P4, Z12

* استاد دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m.askari@isu.ac.ir

** دانشجوی دکتری دکتری اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران

a.mohammadipour@ut.ac.ir

0000-0002-5315-0972



https://ifr.journals.isu.ac.ir/article_75826.html



مقدمه

در ایران از آنجاکه قبل از سال ۱۳۵۷ حکومت اسلامی بر مبنای فقه شیعی وجود نداشت، ساختارهای مالیاتی و اقتصادی جامعه بر اساس اسلوبی غیراسلامی پی‌ریزی شد و انقلاب اسلامی نیز این ساختارها را به ارث برد، درحالی‌که هیچ توجهی به زکات و خمس نشده بود. از طرفی وابستگی بیش‌ازحد اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی سبب شد که دولت‌ها در ایران توجه چندانی به درآمدهای مالیاتی نداشته باشند. به همین سبب دولت‌مردان عمده برنامه‌ریزی‌های خود را بر درآمدهای نفتی استوار کردند. در سال‌های اخیر که بحث از کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی شده است همه اقتصاددانان و مسئولان تنها راه را تقویت نظام مالیاتی دانسته‌اند (کاشیان، شعبانی و عسکری، ۱۳۹۸، ص. ۳).

استقلال بودجه از درآمدهای نفتی یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که اقتصاد ایران با آن مواجه است. برای دهه‌های اخیر خام‌فروشی و استفاده از درآمدهای آن رویه غالب در بودجه‌بندی و رفتار دولت‌های ایران بوده است. به همین خاطر قیمت نفت همواره از مهم‌ترین متغیرهایی است که وضعیت و روند اقتصاد ایران را تعیین می‌کند. آمارها نشان می‌دهد که سهم درآمدهای نفتی در بودجه اقتصاد ایران برای دهه‌ها بیش از ۵۰ درصد منابع بودجه عمومی بوده است (پبله‌فروش، ۱۳۹۱، ص. ۲). این رقم در دهه اخیر رو به کاهش گذاشته، به طوری‌که در بودجه سال ۱۳۹۹ با رقمی حدود ۴۵۰ هزار میلیارد ریال سهم ۱۰ درصدی را در منابع عمومی دولت به خود اختصاص داده است. این رقم با لحاظ سهم صادرات نفت خام، میعانات گازی و مبالغ استقراض از صندوق توسعه ملی به حدود ۲۰ درصد می‌رسد.

وابستگی بودجه به نفت و ساختار نامناسب بودجه‌ریزی، مشکلات و مسائل متعددی را برای اقتصاد ایران ایجاد کرده که بررسی آن خارج از موضوع این مقاله است. با توجه به تشدید تحریم‌ها و کاهش فروش نفت در سال‌های اخیر مسأله اصلاح نظام مالیاتی بیشتر مورد توجه کارشناسان قرار گرفته و استقلال بودجه از درآمدهای نفتی و ساماندهی سیستم مالیات ستانی با جدیتی بیشتری نسبت به قبل پیگیری می‌شود.

از طرف دیگر وجود پرداخت‌ها و مالیات‌های شرعی در حکومت اسلامی مسأله دیگری است که باید مورد توجه قرار بگیرد و جایگاه آن در حکومت اسلامی و تأمین

مالی دولت‌ها به‌عنوان قوه مجریه حاکم روشن گردد. طبیعی است که برقراری دو سیستم مستقل از هم برای مالیات‌های متعارف و پرداخت‌های شرعی، می‌تواند مشکلات قابل توجهی را مثل پرداخت‌های دوسویه، تأثیر منفی در انجام ادای دین مؤدیان و کاهش درآمدهای لازم برای دولت اسلامی را در پی داشته باشد. راهکار اصلی حل این مشکل، تعریف و اجرای یک سیستم مالیاتی مناسب برای تأمین بودجه دولت است. سیستم مالیاتی با پایه‌ها و ضرایب مالیاتی کارا، ایجاد درآمد باثبات برای دولت بر پایه شفافیت اطلاعات و مقابله با هر نوع فساد و فرار مالیاتی می‌تواند بخش مهمی از مشکل را حل کرده و مانع از خرج کردن مستقیم درآمدهای نفتی توسط دولت شود. بنابراین لازم است رابطه مالی دولت و نفت (و گاز) در ایران به‌گونه‌ای اصلاح شود که اولاً نوسانات بالای درآمدهای دولت باعث ایجاد ناطمینانی و بیماری هلندی در سطح اقتصاد کلان نشود، ثانیاً محاسبه درآمدهای نفتی پیچیدگی زیادی نداشته باشد و درآمد صنعت نفت و دولت شفاف باشد. ثالثاً در گذر زمان دست‌خوش تغییر نشود و در نهایت به صنعت نفت برای افزایش درآمدها انگیزه کافی بدهد (سازمان برنامه‌بودجه کشور، ۱۳۹۸، ص. ۳۱).

هم‌زمان با این مسأله که همواره راه‌حل‌های اقتصاد متعارف دست‌آویزی برای حل این مشکل برای کارشناسان بوده، این سؤال پیش می‌آید که راهکار اقتصاد اسلامی برای این مسأله چیست؟ مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته‌نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر نیست، بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است (موسوی‌خمینی، ۱۴۲۳ق، صص. ۳۲-۳۳). شریعت و حکومت اسلامی در بدو پیدایش و به انگیزه تشکیل نظام اقتصادی اسلام، مالیات‌های شرعی را وضع نمود. زکات، خمس، جزیه و خراج مهم‌ترین منابع درآمد دولت اسلامی و عرصه تعامل مالی بین دولت اسلامی و مسلمانان بود (شیخ‌مفید، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۷۲؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص. ۴۹۴). به همین خاطر، طراحی یک الگو یکپارچه براساس آموزه‌های اسلام با تبیین جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف در آن و راهکار مشخص برای عدم وابستگی بودجه به نفت احساس می‌شود. طبیعی است که ارائه این الگو اولیه علی‌رغم ایجاد ظرفیت برای بررسی راهکارهای اقتصاد اسلامی نیازمند توجه و تحقیق بیشتری است.

۱. پیشینه پژوهش و ادبیات نظری

مقالات و مطالعات متعددی در رابطه با پرداخت‌های شرعی به خصوص در حوزه زکات انجام شده است، اما در مورد بررسی نظام مالیاتی اسلام و جایگاه آن در اقتصاد ایران مطالعات محدودی انجام شده که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

کاشیان، شعبانی و عسکری (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران و ارائه یک الگو»، به بررسی مؤلفه‌های طراحی یک الگوی یکپارچه مالیاتی پرداخته‌اند و نشان دادند که در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی، شش مؤلفه دارای اهمیت زیادی هستند که باید در مورد آنها تصمیم‌گیری شود. نویسندگان با استفاده از این مؤلفه‌ها نمونه‌ای از یک الگوی یکپارچه مالیاتی را در قالب الگوی «جمع‌آوری منطقه‌ای وجوهات شرعی و مصرف در ماتریس سه‌بعدی مراجع تقلید، منطقه و وظایف» ارائه نموده و نشان می‌دهد این رویکرد چه نقاط مثبت و چه ابزارهای سیاستی را به همراه دارد. هرچند الگوی پیشنهادی توانسته به‌عنوان یک الگوی یکپارچه تناسبی بین مالیات‌های اسلامی و سایر مالیات‌ها ایجاد کند اما تفکیک روشنی بین اموری که تصمیم‌گیری آن برعهده مراجع است و اموری که در اختیار دولت است ایجاد نشده؛ به عبارتی همچنان وجود دو تصمیم‌گیر برای مالیات‌های پرداختی توسط متولیان جامعه مسلمان امکان اتخاذ تصمیم‌های موازی، کاهش شفافیت و تضاد منافع وجود خواهد داشت. به‌علاوه اینکه همچنان حق‌الاماره بودن خمس در این الگو آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفته است.

خلیلیان اشکذری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «الگوی پیشنهادی تدوین بودجه در دولت اسلامی»، الگوی بودجه‌ریزی موردنظر خود را اساس کاهش اندازه دولت در اقتصاد و دولت غیرمتمرکز در امور اجرایی را پیشنهاد می‌کنند. در این الگو هر کشور اسلامی دارای دو بودجه سالانه است؛ بودجه‌ای برای اداره کل کشور که بودجه کلان نام دارد و بودجه‌ای که به‌صورت استانی مطرح می‌شود و هر استانی برآوردی از میزان منابع درآمدی و هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌گذاری خود دارد. در بودجه کلان به امور کلی کشور همچون حفظ دین و فرهنگ اسلامی، امور سیاسی، امنیت و دفاع، استقلال، روابط بین‌الملل و در کل اموری که مختص به یک استان نیست و همه کشور از آن بهره می‌برند،

پرداخته می‌شود. نسبت به این الگو باید اشاره کرد که اولاً اختصاص درآمدهای مختلف به متولیان براساس این الگو تقریباً همان چیزی است که در اقتصاد ایران در حال وقوع است که ایراداتی مثل یکپارچه نبودن سیستم مالیاتی، پرداخت‌های دوسویه، کاهش توجه مردم به پرداخت‌های شرعی و اتکا دولت به منابع درآمدی از انفال و مشکلات به دنبال آن مثل بیماری هلندی و دست‌درازی به سهم نسل‌های آینده همچنان پابرجا خواهد بود. علاوه بر این صرف تفکیک بودجه‌ریزی به دو بخش استانی و کشوری به‌نوبه خود شاید پیشنهاد قابل توجهی باشد اما در عمل تفکیک قلمرو مخارج و اقدامات استانی از اقدامات کشوری به‌ویژه در امور عمرانی روشن نیست.

شعبانی و کاشیان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «طراحی سازوکار ورود خمس به اقتصاد ایران و آثار بالقوه اقتصادی آن»، ضمن آسیب‌شناسی رویکرد موجود، به دنبال آن است که با توجه به ظرفیت مناسب و قابل قبول خمس و زکات سازوکاری را طراحی نماید. در این راستا پیشنهاد می‌کند که مؤدی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس به ولی فقیه در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته‌شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد.

موحدی بک‌نظر و رضایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی؛ دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه» و نیز در پژوهشی دیگر رضایی و سبزو (۱۳۹۱) با عنوان «ارائه الگویی برای پذیرش خمس به‌عنوان بخشی از مالیات بر درآمد»، به نقد ارتباط دو نظام مالیاتی کشور و نظام پرداخت‌های شرعی پرداخته و کسر پرداخت‌های شرعی از میزان مالیات را به‌عنوان یک راهکار مطرح کرده‌اند.

سؤال اصلی عمده مطالعات گذشته این بوده است که چگونه مالیات‌های اسلامی به‌صورت کارتر اجرا شود و هرکدام به‌صورت موردی به حل یکی از معضلات آن پرداخته‌اند. در واقع مطالعات قبلی به این مسأله که دولت بتواند با استفاده از سازوکارهای در نظر گرفته‌شده در اسلام ساختار بودجه‌ای خود را مستقل از درآمدهای نفتی و متناسب با مالیات‌های در نظر گرفته‌شده در اسلام طراحی کند، کمتر توجه شده است. این مقاله

با یک سؤال اصلی و کلی روبه‌رو است و آن این است که نحوه تأمین مالی دولت اسلامی در شرایط کنونی چگونه است و سازوکار مالیات‌ها در یک حکومت اسلامی به چه نحوی باید باشد؟ و این مسأله بررسی می‌شود که آیا مالیات‌های اسلامی در جامعه امروز ظرفیت اجرا و پیاده‌سازی را دارند و می‌توان براساس آنها یک نظام مالیاتی اسلامی برای اقتصاد ایران پیشنهاد کرد؟

به همین منظور در قسمت بعد به بررسی و احصا منابع درآمدی پیش‌بینی شده در اسلام برای دولت اسلامی پرداخته شده و پس‌از آن با توجه به این منابع الگوی مالیات‌ستانی ارائه می‌شود. در ادامه نیز براساس داده‌های اقتصاد ایران ظرفیت اجرایی بودن الگو بررسی می‌شود.

۲. نظام تأمین مالی دولت اسلامی

۲-۱. منابع درآمدی دولت اسلامی

مقاله‌ها و کتاب‌های متعددی راجع به منابع درآمدی و هزینه دولت اسلامی نگارش شده که کتاب‌های نظری و گیلک حکیم‌آبادی (۱۳۹۱) و مصباحی‌مقدم و میثمی (۱۳۹۴) آخرین مطالعات منتشره در این زمینه است. در این آثار از منابع درآمدی که شارع در اختیار حاکم دولت اسلامی قرار داده و همچنین نوع مصارف آنها، میزان و برخی شرایط آنها بحث به میان آمده است. در این بخش از مقاله حسب رعایت اصول نگارش مختصری از توضیحات مربوط به درآمدهای دولت اسلامی بیان می‌شود و مباحث مفصل‌تر را به مطالعات مربوطه که در این زمینه انجام شده است، واگذار می‌کند.

۲-۱-۱. خمس

خمس در اصطلاح شرع، حقی است که خروج آن از مال، واجب بوده (مجمع‌البحرین ج ۴، ص. ۶۶) و به دو قسمت تقسیم می‌شود که یک قسمت آن سهم امام علیه‌السلام است و قسمت دیگر آن سهم سادات است.

شبهه‌ای وجود ندارد که سادات فقیر، موارد مصرف هستند نه مالک سهام سه‌گانه. در صحیح‌ه بزنطی تصریح شده است که امام به صلاحدید خود، نیازمندی‌های آنان را تأمین می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹-الف، ج ۲، صص. ۶۵۲-۶۵۸) مالک بن انس می‌گوید

خمس به امام تعلق دارد (زمخشری، ۲۰۰۶م، ج ۲، ص. ۲۱۴). صاحب جواهر معتقد است امام مالک تمام خمس و تحویل آن در زمان غیبت به فقیه جامع الشرایط، واجب است، ولی باید به سادات نیز به اندازه نیازشان پردازد؛ بنابراین تمام خمس جزء بیت المال است که مصارف معینی برای نصف آن مشخص شده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، صص. ۱۱۵ و ۱۶۴-۱۶۷). صحیحه حماد نیز از سادات فقیر به عنوان موارد مصرف یاد کرده است (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص. ۵۲۰) فقهای متقدم بر این مسأله تصریح کرده‌اند (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۶۲۰).

۲-۱-۲. زکات (زکات شرعی)

زکات در اصطلاح شرعی به معنای وجوب پرداخت اندازه معینی از برخی اموال است که به حدنصابی خاص رسیده باشد. علت اینکه این واجب، زکات نامیده شده، امید به برکت یافتن مال، یا برای پاکیزه کردن نفس انسان است (تبيين اللغات لتبيان الايات، محمد قریب، ج ۱، باب زکوة).

زکات واجب دارای دو مصداق «زکات بدن (فطره)» و «زکات اموال» است. در زکات مال مسلمانان باید مقدار معینی از ۹ قلم کالا برای مصرف در زندگی فقرا و سایر امور عمومی اجتماعی پردازند. این ۹ کالا عبارت‌اند از نقدین (طلا و نقره)، انعام ثلاثه (گاو، گوسفند و شتر) و غلات اربعه (گندم، جو، کشمش و خرما). مقدار پرداختی و شرایط وجوب زکات هر یک از این کالاها متفاوت است و در فقه تعیین شده است. در بیان تعیین موارد مصرف زکات اکثر مفسران با استناد به آیه ۶۰ سوره توبه^۱ منحصرأ هشت مورد: فقرا، مساکین، متصدیان اداره صدقات و مأموران جمع‌آوری زکات، افرادی که به وسیله کمک‌های مالی، تمایل بیشتری به اسلام پیدا می‌کنند، کسانی که برده هستند، بدهکاران، هر امری که رضای خداوند در آن باشد و افرادی که در راه مانده‌اند و درمانده شده‌اند، را ذکر کرده‌اند.

از طرفی چنان‌که در آیه ۱۰۳ سوره توبه^۲ آمده است زکات امری حکومتی است و دریافت آن بر دولت واجب است. زکات مانند خمس می‌باید به خزانه دولت وارد شود و صرف هزینه‌های جاری و عمرانی گردد. صاحب جواهر، صاحب حدائق و نراقی، حکومتی بودن زکات را تأیید کرده‌اند (مزینانی، ۱۳۶۶، ص. ۶).

۲-۱-۳. خراج

در اسلام، اراضی مفتوحه العنوة (زمین‌هایی که با جنگ فتح شده باشند) در برابر سهمی از محصول (مقاسمه) یا مبلغی مقطوع از پول (خراج) در اختیار بهره‌برداران قرار می‌گیرد. این عواید به‌طور مساوی بین تمام مسلمانان تقسیم می‌گردد (محقق کرکی، ۱۴۱۳ق، ص. ۴۶ و ۷۰).

۲-۱-۴. جزیه

به مالیاتی اطلاق می‌شود که دولت اسلامی از اهل کتاب در قبال اقامت آنان در بلاد اسلامی و مصونیت از تعرض دیگران به آنان، براساس قرارداد ذمه، دریافت می‌کند (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص. ۲۲۷). جزیره عربی شده گزیت (گزید) فارسی است که در پهلوی به معنای مالیات سرانه به‌کار می‌رفته است. گزیت یا سرگزیت، مالیات نقدی بود که ساسانیان، پیش از اسلام از یهود و نصاری می‌گرفتند (جزیره‌دار و نفیسی، ۱۳۹۲، ص. ۳۸).

گرفتن جزیه، بنابر آیات قرآن و سنت، واجب است و در زمان رسول خدا(ص) و پس از او از اهل کتاب دریافت می‌شده است. امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی، از اهل کتاب جزیه گرفته نمی‌شود و طبق قوانین این کشورها، آنها مشمول تمامی وظایف و مسئولیت‌های افراد ملت هستند (مانند خدمت نظام و وظیفه و قوانین مالیاتی) و وظایف مشترکی با مسلمانان دارند.

۲-۱-۵. فیء

زمین‌هایی که اهل آن با اسلام نچنگیده‌اند و از جهت صولت و قدرت حکومت اسلامی صلح نموده ولی ایمان هم نیاورده‌اند در تصرف منصب امامت و جزء خالصه امام یا فیء است (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص. ۲۶). البته این مالیات اختصاص به زمین نداشته و سایر اموالی که از طریق صلح به دست مسلمین رسیده است را هم می‌تواند در برگیرد.

۲-۱-۶. انفال

در مورد بهره‌برداری از انفال در دولت اسلامی، مقاله‌های قابل‌توجهی مثل کریمی (۱۳۷۸)، فرهانی فرد (۱۳۸۵) و مصباحی مقدم، شهبازی غیاثی و نخلی (۱۳۹۰) نگارش

شده است. در این قسمت برای تبیین جایگاه انفال در درآمدهای دولت اسلامی مباحثی ارائه می‌شود.

در آیه نخست سوره انفال خداوند می‌فرماید: «یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا رَسُولَهُ إِنَّكُمْ لَهُمْ مُؤْمِنُونَ»، خداوند در این آیه به منابعی اشاره می‌کند که اختیار آنها را به دست حاکم اسلامی سپرده است. این اموال را انفال گویند، زیرا از زیادات جامعه‌اند و در ملکیت افراد خاصی قرار ندارند و باید در اختیار حاکم اسلامی باشند تا طبق ضوابط حکومت اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرند (منتظری، ۱۴۱۱ق، ص. ۲۵).

موسوی خمینی (ره) (۱۴۱۰ق) در تعریف انفال می‌فرماید: مواردی که در روایات به‌عنوان انفال و ملک امام نام‌برده شده است، همه از باب ذکر مصادیق آن بوده و متفاهم از مجموع روایات این است که آنچه مربوط به امام است، عنوان واحدی است که منطبق بر موارد زیادی می‌شود و ملاک در همه آنان یکی است و آن این است که هر چیزی (اعم از زمین و غیر زمین) که صاحب و مالکی نداشته باشد (مالارب لها) برای والی است که آن را در راه مصالح مسلمانان صرف نماید و این امر بین دولت‌ها متداول است (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۵).

از مصادیق انفال می‌توان به مواردی چون زمین کافران که مسلمانان بدون جنگ و خونریزی بر آن دست‌یافته‌اند، زمین موات، زمین‌های بی‌مالک، دریاها و رودخانه‌ها، غنایم برگزیده، ارث بدون وارث و معادن اشاره کرد (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۶، صص. ۱۱۵-۱۳۰). از بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) چنین برمی‌آید که آن حضرت انفال و ثروت‌های دولتی را برحسب احتیاج جامعه اسلامی و مردم به مصرف می‌رساند. آن‌چنان‌که در تقسیم فیه بنی‌نضیر^۳ انجام دادند و نیز گاهی آن اموال را برای سلاح و مخارج دفاعی صرف می‌نمود، زیرا اجتماع و حیثیت دولت اسلامی به آن وابسته بود. بنابراین پیامبر (ص)، ثروت‌های دولتی و انفال را در راه رفاه و آسایش مسلمانان و تأمین احتیاجات اجتماعی، هزینه می‌کرد (صانعی، ۱۳۷۹، ص. ۹۵). امام خمینی (ره) نیز در خصوص ملاک کلی مصرف انفال این‌گونه می‌فرماید: «دولت در مورد این اموال، ولی امر در تصرف در جهت مصالح موضوعه است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ص. ۲۰۹). بنابراین حاکم اسلامی بر طبق

تشخیص خود از مصلحت جامعه در چارچوبی که شریعت و سنت تعیین می‌کند، برای این منابع تصمیم می‌گیرد.

۲-۱-۷. موقوفات

مطالعات مختلفی به بررسی نهاد وقف و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی پرداخته‌اند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به سلیمی‌فر (۱۳۷۰)، حائری (۱۳۸۰)، عسکری (۱۳۹۰)، جهانیان (۱۳۹۰)، عیسوی، طالبلو و کاظمی (۱۳۹۳)، جهانیان (۱۳۹۵)، طغیانی و درخشان (۱۳۹۵) اشاره کرد.

وقف به معنای حبس و منع است و در اصطلاح عقدی است که نتیجه آن، ایستایی اصل و رهایی منافع آن است (ابن‌منظور، بی‌تا، ص. ۳۹۵) و به‌طور خلاصه در اصطلاح فقهای امامیه عبارت است از «حبس نمودن عین ملک و مصرف کردن منافع آن در راه خدا». (حلی، ۱۴۰۷ق، ص. ۲۱۱).

وقف در نظام اقتصادی کارکردهای مهمی داشته است. از مهم‌ترین آنها می‌توان به نقش وقف در رشد اقتصادی، فقرزدایی، ایجاد اشتغال، گسترش علم، تأمین بهداشت و خدمات اجتماعی اشاره کرد که امروزه با توجه به نقش دولت‌ها در اقتصاد هرکدام از این موارد به‌عنوان یکی از اهداف و مسئولیت‌های دولت‌ها قرار گرفته است. به همین خاطر دولت اسلامی می‌تواند با جهت‌دهی و مدیریت موقوفات نقش بسزایی در بسیاری از خدمات عمومی با مشارکت مردم ارائه کرده و علاوه‌بر فراهم‌سازی زمینه برای حضور مردم در اقتصاد میزان مخارج خود را در این حوزه‌ها کاهش دهد. امروزه نهاد وقف را بخش خیریه یا بخش سوم اقتصاد می‌شمارند که نواقص بخش بازار و بخش دولت را در تأمین نیازهای واقعی جامعه برطرف می‌کند.

برای مثال دوران عثمانی زمانی است که اوقاف بیش از هر زمان دیگری توسعه‌یافته بود، بیشتر افراد جامعه در خانه‌های وقفی متولد می‌شدند، در مدارس وقفی آموزش می‌دیدند و کتاب‌ها را از کتابخانه‌های وقفی به امانت می‌گرفتند و به هنگام بیماری در بیمارستان‌های وقفی مداوا می‌شدند و در زمین‌های وقفی به کشت و کار می‌پرداختند (عسکری، ۱۳۹۰، ص ۷۷) و یا در حدود قرن ۱۴ هجری در بغداد، خوزستان، موصل،

بصره و نیشابور بیمارستان‌هایی وجود داشت که این بیمارستان‌ها مرکز تعلیم و تعلم طب بود. مخارج این بیمارستان‌ها معمولاً از درآمد موقوفاتی بود که برای آنها قرار داده بودند، و افرادی هم نیروی فکری و بدنی خود را وقف بیماران می‌کردند (شهابی، ۱۳۴۹، ص. ۳۱).

امروزه مدل‌های کامل‌تر و متناسب‌تری برای ساماندهی نهاد وقف در اقتصاد پیشنهاد و اجرا شده است. صندوق سرمایه‌گذاری مشترک وقف یکی از آنها است که در آن وجوه نقد واقفان در سبدهی متنوع از دارایی‌های سرمایه‌گذاری شده و صندوق به نمایندگی از واقفان وجوه وقفی و درآمدهای آن را مدیریت نماید. این راهکار را عیسوی، طالبلو و کاظمی (۱۳۹۳) به صورت تفصیلی بررسی کرده‌اند.

۲-۱-۸. زکات حکومتی (مالیات موقت)

بررسی امکان اخذ زکات حکومتی و شمول منابع زکات در مطالعات مختلفی مانند عسکری (۱۳۸۵)، عسکری و پوردوره (۱۳۸۸)، ایروانی (۱۳۸۸)، توسلی (۱۳۹۴)، عسکری و محمدی پور (۱۳۹۸) و قحف (۱۹۹۸) مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش به صورت مختصر به این موضوع پرداخته شده و بررسی دقیق‌تر این مسأله را به مقاله‌های مرتبط و مذکور می‌سپارد.

دسته‌ای از روایات حکم به تعمیم متعلقات زکات از موارد نه‌گانه و علی‌الخصوص در حبوبی که مکمل هستند، اشاره دارد. از جمله آنها می‌توان به روایتی که شیخ طوسی از زراره نقل می‌کند که می‌گوید از حضرت صادق (ع) سؤال کردم: آیا در ذرت زکات است؟ امام می‌فرماید: در ذرت، عدس، جو ترش و دانه‌ها زکات است، مانند زکاتی که در گندم و جو وجود دارد؛ و هر چیزی که با صاع [پیمان‌های در حدود سه کیلو] پیمان‌گرد و به مقداری که زکات در آن واجب می‌شود، برسد، پس بر آن نیز زکات است^۴. (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ص. ۶۴).

از روایات دیگر نیز برمی‌آید که حضرت علی (ع) در دوران زمامداری، افزون‌بر موارد نه‌گانه، بر اسب‌ها نیز زکات بستند. از جمله در روایت ارزشمندی از زراره نقل شده است که: حضرت علی (ع) بر اسب‌های نجیب علف چر، در هر سال دو دینار و بر اسب‌های

باربر، در هر سال یک دینار قرارداد^۵ (حرعاملی، ۱۴۰۳ق؛ ص. ۵۳۰) آنچه از ایشان به ثبوت رسیده است که آن حضرت بر مالها، علاوه بر موارد زکاتی که در قانون ثابت اسلامی است، وضع زکات کرد. این عنصر متحرک، کاشف از آن است که زکات، به عنوان یک دید اسلامی، مخصوص مال معینی نیست و این حق ولی امر است که زکات را بر هر کالایی که مصلحت بداند طبق ضرورت‌های خاصی، قرار دهد (صدر، ۱۳۸۷، ص. ۳۳).

خداوند متعال برخی اموال را -که با خصوصیات مختلف در کتاب‌های فقهی آمده- برای اداره امور جامعه قرار داده است. حال اگر این اموال، به هر دلیل برای اداره جامعه اسلامی کافی نبود، در این صورت حاکم به مقتضای ولایت خود می‌تواند به هر اندازه که مصلحت می‌داند مردم را به پرداخت مالیات وادارد (مؤمن، ۱۳۸۹، ص. ۴). بنابراین در صورت وجود دولت اسلامی و نیاز به منابع مالی و کمبود زکات و خمس، وضع مالیات به صورت اضطراری و حکم ثانوی پذیرفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص. ۲۵۹).

۲-۱-۹. مالیات‌های سیاست‌گذاری

منظور مالیات‌های است که دولت برای هدف‌های موردنظر خود مثل محدودیت مصرف کالایی خاص وضع می‌کند و نگاه درآمدی به این مالیات ندارد. در صدر اسلام جهت سیاست‌گذاری اقتصادی نیز مالیات‌های متناسب وضع شده است.

حاکم اسلامی بنا بر مصالحی دیگر می‌تواند به گرفتن مالیات مبادرت ورزد. از آن جمله می‌توان به عادلانه‌تر کردن توزیع درآمد در جامعه اشاره نمود. برای مثال: دولت اسلامی می‌تواند از ثروتمندان جامعه مالیات بگیرد و آن را در اختیار فقرا و جامعه قرار دهد تا توزیع درآمد را عادلانه‌تر کند. همچنین دولت اسلامی می‌تواند برای تخصیص منابع اقتصادی کشور، بخش‌ها و یا مناطق خاص همچون کشاورزی و مناطق محروم، در راستای استفاده از سیاست‌های مالی، از گروهی مالیات گرفته و در اختیار بخش‌های دیگر قرار دهد (مؤمن، ۱۳۸۹، ص. ۵).

در صدر اسلام از خراج برای اجرای سیاست‌های مالیاتی مناسب با ادوار تجاری استفاده می‌شد. روشن‌ترین این سیاست‌ها دستور حضرت علی (ع) به مالک است؛ که

فرمود هنگام خشک‌سالی و رکود از میزان خراج بکاهد و از این کاهش نگران نباشد، زیرا موجب افزایش درآمد مردم و رونق اقتصاد می‌شود. موارد متعددی نشان می‌دهد که خراج همیشه یکسان نبوده و برحسب شرایط اقتصادی تغییر می‌کرده است. درعین حال خراج متناسب با اجاره زمین بود که پس از بازدید و مساحت زمین تعیین می‌شده است (صدر، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۹).

ازجمله مالیات‌های دیگری که در صدر اسلام برای سیاست‌گذاری وضع شده است عشر است. این مالیات از اهل کتابی که برای تجارت به بلاد اسلامی وارد می‌شدند، گرفته می‌شد (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۵، ص. ۶۸) ازاین‌رو شبیه به مالیات بر واردات یا عوارض گمرکی بود. (توکل‌ی و بحرینی، ۱۳۹۳، ص ۱۳)

مسئله مهمی که در وضع این مالیات‌ها باید به آن توجه کرد عدم تضاد مالیات‌های وضع شده با مبانی اقتصاد اسلامی است، به‌گونه‌ای که نه‌تنها مالیات‌های وضع شده نباید مانعی برای دستیابی به اهداف اقتصادی اسلام مثل برقراری عدالت، ایجاد شرایط رشد و رفاه اقتصادی، مقابله با سلطه کافر و رعایت عدالت مالیاتی باشد بلکه دستیابی به این اهداف را تسریع کند.

همان‌طور که بیان شد اسلام راه‌های مختلفی را برای حاکم اسلامی جهت اداره حکومت در نظر گرفته است و این بسط‌ید را نیز به وی داده تا متناسب با شرایط زمان منابع مالی جدیدی را برای خود تعریف کرده و یا مالیات متناسب را براساس مبانی اسلامی وضع کند.

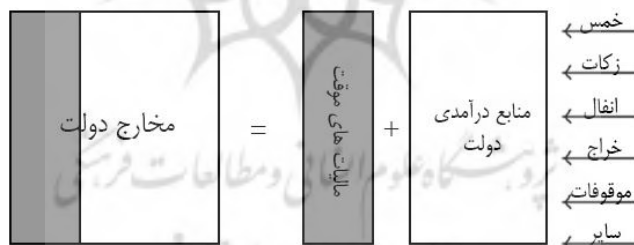
بعضی از محققین به این نکته اشاره دارند که در صورت نیاز حکومت اسلامی به تأمین مالی برای اهداف خود و در دسترس نبودن منابع مؤثر، بر مسلمانان واجب کفایی است تا نیاز دولت را در قالب مالیات تأمین کنند و دولت می‌تواند به‌اندازه نیاز خود به دریافت آن اقدام کند تا عدم تأمین مالی منجر به تعطیل حکومت اسلامی نشود (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص. ۲۸۶؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص. ۳۷۵).

در بخش بعدی به الگوی مالیات ستانی و تأمین مالی دولت در نظام اسلامی تک مرجعی و چند مرجعی ارائه شده و پس‌از آن به بررسی کارایی و امکان اجرای آن در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود.

۳. الگو تأمین مالی دولت اسلامی

۳-۱. در نظام تک مرجعی

همان‌طور که اشاره شد وضع منابع مختلف درآمدی برای حکومت اسلامی نشان از یک طرح کلی و سازوکار منسجم تأمین مالی برای اداره و تشکیل یک حکومت مبتنی بر مبانی اسلامی را می‌دهد. استفاده از این منابع نیز باید به صورت کارا و عاقلانه بوده و در جهت زایش ثروت بیشتر و رشد اقتصادی باشد به این معنا که نباید نسبت به این منابع درآمدی صرفاً نگاه مصرفی داشت و حاکم اسلامی باید متناسب با شرایط زمان اقدامات لازم برای حداکثر استفاده از این منابع را مثل صندوق‌های سرمایه‌گذاری زکات، صندوق توسعه ملی و سایر نهادها و قوانین لازم را جهت بهره‌برداری بیشتر و بهتر از منابع اسلامی هم در زمان حال و هم برای آینده را انجام دهد. در این مقاله صرفاً به دنبال ارائه یک الگو برای تأمین مالی دولت اسلامی مبتنی بر احکام اسلام و متناسب با شرایط زمانی آن هستیم و طبیعی است که حاکم اسلامی باید متناسب با شرایط زمانی و مکانی اقداماتی را در جهت مدیریت و زایش این دارایی‌ها انجام دهد که نحوه و مختصات مدیریت هر کدام از منابع درآمدی نیازمند مطالعه‌ای مستقل خواهد بود.



الگوی (۱): تأمین مالی دولت در نظام تک مرجعی

منبع: یافته‌های تحقیق

ابتدا الگویی برای زمانی که ولی فقیه به عنوان تنها مرجع تقلید نیز شناخته می‌شود، ارائه شده و پس از آن برای گسترش این الگو در جامعه اسلامی در زمان غیبت معصوم علیهم السلام و وجود مراجع تقلید متفاوت پیشنهادهایی ارائه می‌شود.

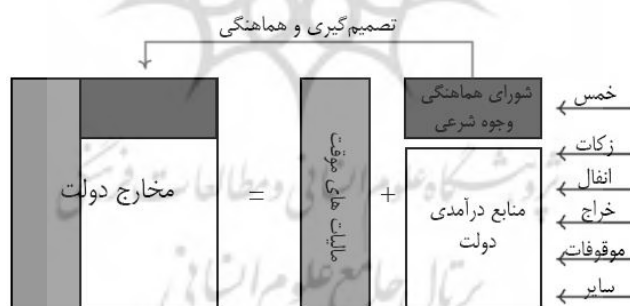
در یک نظام اسلامی با حضور معصوم و یا یک مرجع تقلید، جمع‌آوری همه پرداخت‌های شرعی و مالیات‌ها و سایر درآمدهای مرتبط با حکومت به صورت متمرکز بوده و متناسب با رویکردها و اسناد بالادستی تخصیص‌ها نیز به صورت متمرکز انجام می‌شود. این الزاماً به معنای برنامه‌ریزی متمرکز برای منابع دولت نیست، بلکه می‌توان متناسب با شرایط زمان و مطالعات انجام‌شده رویکرد مطلوب را به توسعه، رشد اقتصادی و برنامه‌ریزی اتخاذ کرد که بررسی آن به مطالعات مرتبط واگذار می‌شود.

بر این مبنا ابتدا برنامه‌ریزی و تعیین اهداف برای سال آینده توسط دولت انجام شده و بودجه مربوطه تخمین زده می‌شود. پس از آن با توجه به داده‌های گذشته و پیش‌بینی‌ها از سال آینده یک برآوردی از درآمدهای دولت متناسب با سرفصل‌های مربوطه که در بخش قبلی توضیح داده شد انجام می‌شود. براساس این برآوردها و متناسب با اهداف واقع‌بینانه در بودجه دولت، ابتدا جمع‌آوری درآمدهای شرعی انجام می‌شود. پس از برآوردهای لازم نسبت به وصول مالیات‌های شرعی، باید در صورت عدم کفایت و پیش‌بینی‌های قبلی کاستی آن را با مالیات‌های حکومتی جبران کرد. بدیهی است که بودجه‌ریزی باید به صورتی باشد که در آینده نزدیک میزان دریافتی مالیات‌های موقت که صرفاً برای افزایش درآمدهای دولت وضع شده است به سمت صفر میل کند و در نهایت اضافه بر پرداخت‌های شرعی تنها مالیات‌هایی باقی می‌ماند که دولت نه صرفاً با نگاه درآمدی بلکه با نگاه سیاست‌گذاری و ایفای نقش هدایت‌گری خود در اقتصاد آنها را وضع کرده است، باقی خواهند ماند.

۲-۳. در نظام چند مرجعی

ساختار چند مرجعی با توجه به اینکه هرکدام از مراجع براساس فتوای خود و أخذ وجوهات شرعی و موقوفات مختلف بودجه‌ریزی و تأمین مالی را برای دولت اسلامی پیچیده‌تر می‌کند. کاهش بخشی قابل توجهی از درآمدهای خزانه اسلامی در پرداخت مستقیم وجوهات شرعی مردم به مراجع سبب کاهش درآمدهای دولت اسلامی در تناسب با هزینه‌های جامعه شده و وضع مالیات‌های جدید و افزایش پایه‌های مالیاتی را به دنبال خواهد داشت. تصمیم‌گیری‌های مستقل از هم در تخصیص بودجه توسط دولت و مراجع

تقلید امکان تخصیص‌های موازی و آسیب‌های مربوط به آن را در پی خواهد داشت. حداقل شفاف‌سازی بودجه‌ریزی دولت و مراجع برای یکدیگر سبب تخصیص و تقسیم بهینه‌تر منابع خواهد شد. در یک نظام با وجود چند مرجع تقلید باید یک همکاری و هماهنگی مستمر بین مراجع تقلید و حاکم اسلامی ایجاد شود. این مهم نیازمند یک نهاد هماهنگ‌کننده و تصمیم‌گیری مشترک است. در این ساختار بازهم مشابه حالت قبل، حکومت اسلامی اقدام به جمع‌آوری درآمدها به صورت متمرکز می‌کند با این تمایز که وجوهات مختص مراجع مستقل از یکدیگر و به صورت تفکیک‌شده در نظر گرفته می‌شود. در این صورت مراجع نیز علاوه بر دولت اسلامی با توجه به منابع وجوهات سال قبل و برنامه‌های خود با توجه به دفاتر در سطح کشور و ارتباطات مردمی ارائه می‌دهند. تصمیم‌گیری در مورد وجوهات خمس و موقوفات عام در «شورای هماهنگی وجوه شرعی» که نمایندگان مراجع و نمایندگان دولت اسلامی در آن حضور دارند انجام می‌شود. وظیفه اصلی این شورا تصمیم‌گیری برای منابع در راستای اهداف مشترک و جلوگیری از تخصیص‌های موازی و شفاف‌سازی در تخصیص وجوهات شرعی، تحت نظارت ولایت فقیه است.



الگوی (۲): تأمین مالی دولت در نظام چند مرجعی

منبع: یافته‌های تحقیق

بنابراین در این ساختار دولت به صورت مستقل در مورد منابع درآمدی خود مانند زکات، انفال و سایر مالیات‌ها تصمیم‌گیری می‌کند و در مورد درآمدهای ناشی از خمس در «شورای هماهنگی وجوه شرعی» انجام می‌شود. این ساختار علاوه بر اینکه یک الگو

یکپارچه در نظام مالیات ستانی دولت اسلامی را ایجاد می‌کند، امکان تخصیص بهینه‌تر منابع را فراهم کرده و حق‌الاماره بودن خمس را نیز در نظر می‌گیرد. همچنین با توجه به افزایش خمس به بخشی از درآمدهای دولت منجر به کاهش مالیات‌ستانی‌های موقت نیز می‌شود. طبیعی است که لازم است دولت بعد از بودجه‌ریزی؛ انجام فعالیت‌های مذهبی و سایر فعالیت‌های مرتبط را به مراجع تقلید سپرده تا هم میزان دخالت مستقیم را در این امور کاهش داده و هم انجام این امور را به متخصصین این امر واگذار کند. از طرف دیگر هم در بودجه‌ریزی خود تخصیص منابع به این امور را حذف کرده و بودجه را به سمت اهداف خود متمرکز کند. این مهم حتی می‌تواند منجر به تخصیص بهینه‌تر منابع مرتبط با ترویج و تبلیغ دین نیز بشود، چراکه در این ساختار نمایندگان مراجع می‌تواند در مخارج دولت مرتبط با این موضوع نیز دخالت کنند.

۳-۳. الزامی یا اختیاری بودن پرداخت مالیات

برای این مسأله دو رویکرد را دولت اسلامی می‌تواند اتخاذ کند. اولین راه تبدیل پرداخت‌های شرعی و نظام مالیاتی مبتنی بر آن به‌عنوان یک قانون است. بدیهی است که در این صورت افراد جامعه در برابر اجرای قانون ملزم خواهند بود. همان‌گونه که ولی‌فقیه براساس اختیاراتی که در اداره حکومت دارد، می‌تواند به وضع مالیات علاوه بر خمس و زکات اقدام کند، می‌تواند در جمع‌آوری زکات نیز از روش‌هایی مانند مالیات‌های متعارف و یا حتی اظهارنامه استفاده کند. بنابراین، همان‌گونه که ادله مزبور حکایت می‌کنند، در تاریخ، سیره و روایات نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد پرداخت زکات اساساً فرض اجباری است که می‌توان در مقابل افرادی که از پرداخت آن امتناع می‌ورزند، متوسل به زور و قانون و حتی قتال در صورت تمرد جمعی و مقاومت در برابر اجرای این حکم الهی شد (کاشیان، شعبانی و عسکری، ۱۳۹۴، ص. ۶).

اما مسأله قابل‌توجه این است که هرچند مالیات‌های اسلامی باهدف تأمین مخارج دولت، و فقرزدایی وضع شده‌اند، اسلام از نقش تربیتی مالیات‌های اسلامی نیز غافل نشده است. در نظام مالیاتی اسلام، خمس و زکات به‌عنوان نوعی عبادت مالی معرفی شده‌اند که موجب تزکیه و تربیت مؤدیان مالیاتی می‌شوند (نظری، ۱۳۸۵، ص. ۷). راه‌حل دوم و

مطلوب‌تر آن است که دولت در کنار نظام مالیات ستانی اسلامی یک سازوکار مالیاتی موازی برای افرادی که نمی‌خواهند پرداخت‌های شرعی را انجام دهند تدارک ببیند. در این صورت فرد بین پرداخت دین شرعی و پرداخت براساس سیستم مالیات ستانی متعارف مخیر خواهد بود. این الگو علاوه بر اینکه اختیاری بودن پرداخت‌های شرعی را در نظر می‌گیرد در انگیزه‌سازی برای انجام واجبات دینی نیز نتایج بهتری خواهد داشت. طبیعی است که وقتی افراد بخواهند بین پرداخت اجباری مالیات یا پرداخت وجوه شرعی یکی را انتخاب کنند با توجه به تمایل‌های ارزشی و دینی که در یک جامعه اسلامی وجود دارد پرداخت شرعی را انتخاب خواهند کرد.

۳-۴. توجه به کارایی و عدالت

براساس مطالعات انجام شده مالیاتی از کارایی بیشتر برخوردار است که علی‌رغم سادگی در محاسبه و أخذ آن نسبت به مودیان خود جهت‌گیری و معافیت‌های جانبدارانه نداشته باشد. همچنین علاوه بر انعطافی که نسبت به شرایط جامعه دارد، واریانس درآمدهای آن برای دولت در طی سال‌های مختلف پایین باشد.

چهارچوب، اهداف و ویژگی‌های نظام مالیاتی کارا



(Principles for a Modern and Efficient Tax System. The Scottish Government, Edinburgh 2013)

براساس فتواها و احکام شرعی نرخ‌های زکات تناسبی است و توصیه‌های جدید سازمان‌های بین‌المللی در رویکرد به مالیات‌های تناسبی مؤید صحت کارایی این نرخ‌ها

است. نرخ‌های تصاعدی با کارایی کاملاً در تضاد و نرخ‌های تنازلی با عدالت ناسازگار است. (رضایی دوانی، فراهانی فرد و معصومی‌نیا، ۱۳۷۹، صص. ۸۸-۹۴)

خمس دارای نرخ ثابت تناسبی است. از این رو به کارایی ضرر وارد نمی‌کند و از نظر اجرایی سهولت بیشتری دارد. خمس به سرمایه تعلق می‌گیرد، ولی فقط یک‌بار. از این رو نمی‌توان گفت باعث کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود زیرا پس از تبدیل به سرمایه و گذشت سال تعلق می‌گیرد. همچنین هزینه استهلاک نیز طبق نظر برخی فقها محاسبه می‌شود. اگر شخص برای عدم پرداخت خمس اموال را به سرمایه تبدیل نکند، باید آن را به مصرف برساند. مصرف بیش از مقدار شأن خمس دارد و همچنین اگر تبدیل به مصرف شود، سرمایه او افزوده نمی‌شود ولی اگر به سرمایه تبدیل شود گرچه ۲۰ درصد خمس می‌پردازد ولی با زاینده‌گی سرمایه قابل جبران است (رضایی، ۱۳۸۷، ص. ۵).

در تعیین خراج و کیفیت اخذ آن نیز، به وضعیت کشاورز و تولیدکننده توجه می‌شود. امیرمؤمنان به مالک دستور می‌دهد که مبدا توجه اصلی خود را به جمع‌آوری خراج معطوف سازد؛ بلکه بیش از توجه به جمع‌آوری خراج، باید به گونه‌ای تصمیم بگیرد که هدف اصلی سیاست‌گذاری دولت در امر خراج، آبادی زمین و بهبود وضع خراج دهنده باشد. درحالی‌که وضعیت تولید و خیم است و کم‌آبی، آفت، کمی باران، فساد بذر و سختی بر مردم روی آورده، باید از مقدار خراج کاسته شود تا تغییر وضعیت آنان با سرعت بیشتری رخ دهد و از هزینه و رنج مردم کاسته شود و دوره رونق تجدید شود و زمینه بهبود پرداخت خراج فراهم آید. (نهج البلاغه، ۵۳). بنابراین، نحوه گرفتن خراج نباید مانع رشد اقتصادی و انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری شود و در وضعیت رکود اقتصادی باید تخفیف‌های مناسب در نظر گرفت تا مردم در مهر و موم‌های بعد رغبت بیشتر و توان بالاتری برای ادای خراج کسب کنند (گیلک حکیم‌آبادی، ۱۳۸۰، ص. ۳۷۰). با توجه به ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی، این مالیات‌ها می‌توانند نسبت به مالیات‌های متعارف از کارایی بیشتری برخوردار باشند. بنابراین طراحی یک الگو یکپارچه که ایرادات نظام فعلی را هم نداشته باشد می‌تواند علی‌رغم تطابق بیشتر با شرع می‌تواند عملکرد بهتری هم داشته باشد.

۳-۵. نحوه محاسبه میزان مالیات هر فرد

در اسلام محاسبات مربوط به پرداخت‌های شرعی برعهده خود مکلف بوده و حاکم تنها به راهنمایی و تعیین مقررات مربوطه پرداخته و در آن دخالت نمی‌کند. امروزه نیز سیستم‌های مالیات ستانی به سمت توجه به اظهارنامه خود مؤدیان و اعتماد به اظهارات آنها رفته و تا زمانی که خلاف و ناطمینانی از خود مؤدیان سر نزده باشد این اعتماد پابرجا می‌ماند.

امیرالمؤمنین علی(ع) نحوه جمع‌آوری مالیات‌ها را به مأموران خود ابلاغ می‌کردند. هنگام اخذ مالیات، اعتماد به مؤدی و اظهارات وی و کیفیت برخورد با او، در جهت تشویق و ترغیب وی به اظهار مقدار واقعی بدهی مالیات و پرداخت به موقع آن بود. ایشان در زمان خلافتش به یکی از مأموران خود چنین ابلاغ فرموده است: «پس چون به قبیله‌ای رسیدی بر آنان سلام کن و درود بر ایشان را کوتاه منما. پس از آن می‌گویی: ای بندگان خدادوست و خلیفه خدا مرا به سوی شما فرستاده تا حق و سهم خدا را از دارایی‌تان از شما بستانم. آیا خدا را در دارایی‌تان حق و سهمی هست که آن را به ولی او بپردازید؟ پس اگر گوینده‌ای گفت؛ نیست به او مراجعه نکن و اگر گوینده‌ای به تو گفت هست، همراهش برو، بدون آنکه او را بترسانی و بیم دهی یا بر او سخت گرفته، او را به دشواری واداری» (نهج البلاغه، ۲۵). بنابراین در نظام مالیاتی موردنظر می‌توان محاسبات مربوط به میزان دین هر فرد به حکومت را برعهده خود مؤدی گذاشت و تا زمانی که براساس داده‌های بانکی و مالی مؤدی خلاف اظهارات وی ثابت نشده است نسبت به محاسبات او اعتماد پابرجا بماند و در صورتی که براساس داده‌های دولت تناقضات و تخلفاتی در اظهارات مؤدی ظاهر شد مطابق قانون با وی برخورد شده و از اختیارات وی برای مدتی در این زمینه محدود شود.

۳-۶. نحوه وضع مالیات جدید

در زمان پیامبر(ص) نیز حجم درآمدها دولت از این منابع در برخی سال‌ها گاه به حدی می‌رسید که دولت توان هزینه کردن آن را نداشت و گاه به علت هزینه‌های اضافی، نیاز به وضع مالیات جدید پیدا می‌شد (ر.ک: رضایی‌دوانی، ۱۳۸۲، صص. ۶۴-۸۳؛ قحف،

۱۴۲۲ق، صص ۲۷۱-۳۰۳). کمبود درآمد در زمان پیامبر، گاه موجب استقراض می‌شد. البته این مبلغ غالباً در همان سال از درآمدهای غنائم یا زکات تأمین و بازپرداخت می‌شد (قحف، ۱۴۲۲ق، صص. ۲۸۸-۲۸۹).

در مورد وضع مالیات هم با بررسی فقه و تاریخ اسلامی نشان می‌دهد غالب مالیات‌های مخصوص، مالیات بر خالص درآمد است و بر مصرف افراد مالیات وضع نشده است و برای موارد مصرف کمتر یا بیشتر از شأن، در واقع مالیات از خالص درآمد گرفته می‌شود؛ در حالی که نظام مالیاتی فعلی کشور به نظام مالیات بر ارزش افزوده تغییر کرده است که از حلقه‌های مختلف تولید، گذشته و در نهایت به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود. (مصباحی مقدم و میثمی، ۱۳۹۴، صص. ۱۰۰ و ۱۲۵).

به‌هر حال اگر متناسب با شرایط زمانی دولت اسلامی بخواهد پایه مالیاتی را گسترش داده و مالیات جدیدی را وضع نماید بهتر است که متناسب با مبانی اقتصاد اسلامی و عدم تضاد با ساختار مالیات‌های قطعی و شرعی وضع نماید.

مالیات بر ارث^۶ از جمله مواردی است که به‌رغم برخورداری از پیشینه ضعیف در اقتصاد اسلامی، امروزه مورد توجه قرار گرفت. ارث با اینکه مسأله جدیدی نیست و حتی قبل از اسلام وجود داشته است در تاریخ حکومت اسلامی سابقه أخذ مالیات از ارث و یا اینکه حقی برای حکومت در آن در نظر گرفته شده باشد، وجود نداشته است. امام موسی بن جعفر در پاسخ به فردی که در مورد زکات در مال به ارث رسیده به او چنین پاسخ می‌دهند که بر او زکاتی واجب نیست و برای فرار از زکات، آنها را به دیگری تبدیل نکند (حرعاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص. ۱۵۲). این نوع روایات، تعلق تکلیف مالی بر ارث را با صراحت نفی می‌کند.

اگرچه برای ناسازگاری مالیات بر ارث به‌سادگی نمی‌توان نسبت به آن فتوا داد، ولی اثبات سازگاری آن با شریعت اسلامی نیز آسان نیست. از این رو بهتر است حتی المقدور از وضع و أخذ مالیات بر ارث اجتناب و به مقدار ضرورت و حداقلی آن اکتفا نمود. (حبیبیان نقیبی، نبوی و هاشم‌پور، ۱۳۹۲، ص. ۹).

یکی از موادی که می‌توان جهت أخذ مالیات به آن توجه کرد مسأله مالیات بر کنز ثروت است. کنز و انباشت ثروت و خارج کردن آن از جریان اقتصاد در اسلام حرام

است. به همین خاطر می‌توان بر اصل و فرع منابعی که افراد برای سوداگری‌ها و خارج کردن پول از جریان مولد اقتصاد انجام می‌دهند مالیات وضع کرد. برخی کارشناسان در بیان فلسفه اخذ زکات جلوگیری از کنز ثروت را بیان می‌کنند که خود این می‌تواند مؤیدی باشد برای وضع مالیات بر اصل و فرع وجوهی که از جریان مولد اقتصاد خارج شده‌اند تا به واسطه اثرگذاری در انگیزه افراد منجر به تقویت جریان حقیقی اقتصاد شود. مالیات بر کالاهای و خدماتی که مصرفشان به نوعی برای سلامتی انسان مضر است و در شرع نیز به نوعی کراهت برای مصارف آنها وجود دارد یکی دیگر از پایه‌های مالیاتی مناسب می‌تواند باشد. مالیات بر مصرف دخانیات و مصرف نوشیدنی‌های گازدار می‌تواند از جمله این موارد باشد.

۴. بررسی ظرفیت اجرایی الگو ارائه شده در اقتصاد ایران

در این قسمت به بررسی این مسأله پرداخته می‌شود که آیا الگو ارائه شده قابلیت اجرا دارد؟ آیا با توجه به تعریف منابع درآمدی در الگوی پیشنهادی، ظرفیت اجرایی آن در اقتصاد ایران نیز وجود دارد؟ به همین خاطر در این بخش از مقاله به تخمین ظرفیت این الگوی پیشنهادی پرداخته و با یک نگاه حداقلی به درآمدهای ممکن این مسأله بررسی می‌شود.

۱-۴. تخمین بالقوه مجموع مالیات‌های اسلامی

۱-۱-۴. خمس^۷

با در اختیار داشتن و محاسبه متغیرهای عمده یعنی تولید ناخالص ملی، استهلاک سرمایه ثابت بخش خصوصی، درآمدهای دولت و هزینه مصرفی بخش خصوصی می‌توان پایه خمس را برای هر سال محاسبه کرد و با محاسبه پایه خمس و ضرب آن در نرخ نهائی خمس (۰/۲) مقدار خمس کشور در هر سال به دست می‌آید. نماد ریاضی روابط بالا به صورت زیر است (کیاالحسینی، ۱۳۸۰، ص. ۱۰):

$$Y_d = GNP - (IPK + IRE + GR)$$

رابطه (۱):

در رابطه (۱) به ترتیب Yd درآمد قابل تصرف بخش خصوصی (خانوارها)، GNP تولید ناخالص ملی به قیمت بازار، IPK سود احتسابی، IRE اجاره احتسابی و GR مجموع درآمدهای دولت است. برای به دست آوردن پایه خمس نیز از رابطه (۲) استفاده می‌کنیم:

$$BK=Yd - C \quad \text{رابطه (۲):}$$

که در این رابطه BK پایه خمس است و با در نظر گرفتن ضریب ۰,۲ برای خمس میزان پرداخت‌های خمس ارباح مکاسب برای سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۶ در جدول (۱) آمده است.

جدول (۱): خمس ارباح مکاسب (ارقام به میلیارد ریال)

سال	تولید ناخالص ملی	درآمد ملی	مصرف بخش خصوصی	پایه خمس	خمس ارباح مکاسب
۱۳۸۷	۳,۱۹۳,۱۹۴	۳,۳۳۷,۱۰۷	۲,۳۰۸,۹۰۸	۱,۰۲۸,۱۹۹	۲۰۵,۷۸۰
۱۳۸۸	۴,۰۷۳,۱۷۹	۳,۴۶۸,۳۵۳	۲,۶۰۶,۳۵۲	۸۶۲,۰۰۱	۱۷۲,۴۰۰
۱۳۸۹	۴,۹۹۰,۴۰۴	۴,۳۲۶,۹۶۹	۲,۹۷۴,۱۹۷	۱,۳۵۲,۰۷۱	۲۷۰,۴۱۴
۱۳۹۰	۶,۳۶۴,۳۶۹	۵,۵۴۱,۱۴۰	۳,۶۸۴,۴۲۱	۱,۸۵۷,۲۱۹	۳۷۱,۴۴۴
۱۳۹۱	۷,۲۸۳,۹۹۱	۶,۰۰۸,۱۳۴	۴,۶۵۵,۶۰۲	۱,۳۵۲,۵۳۲	۲۷۰,۵۰۷
۱۳۹۲	۹,۸۴۲,۶۱۹	۸,۰۳۶,۸۰۵	۶,۲۵۸,۱۷۱	۱,۷۷۸,۶۳۴	۳۵۵,۷۲۷
۱۳۹۳	۱۱,۲۶۰,۰۸۹	۹,۱۷۴,۹۰۷	۷,۳۹۷,۰۹۹	۱,۷۷۷,۸۰۷	۳۵۵,۵۶۲
۱۳۹۴	۱۱,۱۲۹,۰۳۳	۸,۹۶۲,۹۶۵	۸,۱۱۰,۹۶۷	۸۵۱,۹۹۸	۱۷۰,۴۰۰
۱۳۹۵	۱۲,۷۲۲,۸۵۰	۱۰,۳۸۶,۲۲	۹,۲۳۵,۶۳۸	۱,۱۵۰,۵۸۸	۲۳۰,۱۱۸
۱۳۹۶	۱۴,۸۰۷,۱۰۱	۱۲,۳۱۷,۳۰۳	۱۰,۱۹۳,۹۹۶	۲,۱۲۳,۳۰۷	۴۲۴,۶۶۱

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

برای اقتصاد ایران، استخراج معادن معمولاً در حجم عظیم و با مقیاس بالا اتفاق می‌افتد؛ لذا می‌توان انتظار داشت که تمامی استخراجی که از معادن صورت می‌گیرد، مشمول خمس شود. اگر معادنی باشند که مشمول خمس نشوند، ارزش کل آنها

به قدری پایین است که نیازی به تفکیک آنها از کل استخراج وجود ندارد. البته، فرض ضمنی آن است که استخراج معادن، چه به صورت دولتی و چه به صورت خصوصی، مشمول خمس می‌شود (عسکری و کاشیان، ۱۳۹۳، ص. ۱۳).

در جدول (۲) با استفاده از ارزش افزوده بخش معدن میزان خمس معادن محاسبه گردیده است.

جدول (۲): خمس معادن (ارقام به میلیارد ریال)

سال	ارزش افزوده	خمس معادن
۱۳۸۷	۲۷۷۵۴,۴	۵۵۵۰,۸۸
۱۳۸۸	۲۶۶۶۲,۷۶۴	۵۳۳۲,۵۵۲۸
۱۳۸۹	۳۸۱۳۶,۸۷۳	۷۷۴۷,۳۷۴۶
۱۳۹۰	۵۰۴۲۱,۶۷۳	۱۰۰۸۴,۳۳۴۶
۱۳۹۱	۷۹۱۶۳,۴۷۹	۱۵۸۳۲,۶۹۵۸
۱۳۹۲	۹۳۴۳۲,۱۸۳	۱۸۶۸۶,۴۳۶۶
۱۳۹۳	۹۷۵۹۰,۳۸۶	۱۹۵۵۱۸,۰۷۷۲
۱۳۹۴	۸۴۰۷۱,۴۴۷	۱۶۸۱۴,۲۸۹۴
۱۳۹۵	۱۲۳۲۷۵,۹۰۸	۲۴۶۵۵,۱۸۱۶
۱۳۹۶	۱۹۵۱۱۴,۶۱۴	۳۹۰۲۲,۹۲۲۲۸

منبع: مرکز آمار جمهوری اسلامی ایران

بنابراین از بین موارد هفتگانه تعلق خمس، تنها دو مورد آن یعنی خمس ارباح مکاسب و خمس معادن قابل توجه هستند و خمس سایر موارد مبلغ ناچیزی می‌شود که گاه قابل محاسبه نیست. مجموع مقادیر خمس برای حل سال در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول (۳): درآمد خمس (ارقام به میلیارد ریال)

سال	درآمد خمس
۱۳۸۷	۲۱۱۳۳۰,۹
۱۳۸۸	۱۷۷۷۳۲,۶

سال	درآمد خمس
۱۳۸۹	۲۷۸۱۶۱,۴
۱۳۹۰	۳۸۱۵۲۸,۳
۱۳۹۱	۲۸۶۳۳۹,۷
۱۳۹۲	۳۷۴۴۱۳,۴
۱۳۹۳	۳۷۵۰۸۰,۱
۱۳۹۴	۱۸۷۲۱۴,۳
۱۳۹۵	۲۵۷۴۴۳,۲
۱۳۹۶	۴۶۳۶۸۳,۹

منبع: محاسبات تحقیق

۴-۱-۲. زکات^۸

در صورتی که موارد زکات را منحصر و محدود به موارد نه‌گانه بدانیم و قائل به نظریه عدم انحصار زکات به موارد مذکور نباشیم و با توجه به عدم تعلق زکات بر ثروت نقدین (طلا و نقره) به دلیل غیر رایج بودن آنها به مثابه پول و واسطه معاملاتی پرمصرف، برآوردهای این مقاله نشان می‌دهد که استان‌های کشور در سال ۱۳۸۸ مجموعاً از ظرفیت زکات غیر فطره حدود ۲۹۶۸ میلیارد ریالی برخوردار بودند (عاقلی، ۱۳۹۱، ص. ۱).

برای تخمین ظرفیت زکات در سال‌های غیر از ۱۳۸۸ از ارزش افزوده بخش کشاورزی استفاده شده است. همچنین در ستون سوم مقادیر نسبت به تورم براساس سال ۱۳۸۷ تعدیل شده است.

در ستون‌های سوم جدول نیز با فرض تعمیم منابع زکات و اتخاذ نظریه امکان‌آخذ زکات از پول‌های رایج کنونی^۹ و با استفاده از دهک‌های هزینه‌ای طی سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۶ میزان زکات بالقوه را با فرض ضریب زکات $\frac{1}{40}$ محاسبه شده است.

گروهی از صاحب‌نظران بر این اعتقاد دارند که می‌توان حکم زکات را بر پول‌های رایج کنونی نیز تسری داد. این مسأله در مطالعاتی مانند فائنی (۱۳۸۵) توسلی (۱۳۹۴) مورد بررسی قرار گرفته و با تمسک به روش‌های فقهی، آخذ زکات را از پول‌های رایج کنونی امکان‌پذیر می‌داند. به علاوه برخی از فقها مانند شهید صدر در حاشیه بر زکات

نقدین کتاب منهاج الصالحین، محمدجواد مغنیه (فقه امام صادق، ج ۲، ص. ۷۰)، علامه جعفری (رسائل فقهی، ص. ۶۷)، منتظری (۱۴۰۴ق) نیز به این مهم اشاره کرده‌اند. برای محاسبه ظرفیت أخذ زکات در فرضیه تعمیم از آمارهای مرتبط با دهک‌های هزینه‌ای خانوار استفاده شده است و با در نظر گرفتن طبقه چهارم به‌عنوان خط فقر میزان بالقوه زکات پرداختی محاسبه شده است. به این صورت که دهک‌های اول تا سوم زکات می‌گیرند و دهک‌های پنجم تا دهم به میزان ۱/۴۰ آن را طبق فرضی که در مدل کردیم زکات پرداخت می‌کنند.^{۱۰}

جدول (۴): زکات بالقوه در دو حالت انحصار و تعمیم (ارقام به میلیارد ریال)

سال	زکات بالقوه در زکات انحصار	زکات بالقوه براساس فرضیه تعمیم
۱۳۸۷	۲,۵	۳۴۷۶۰۷,۶
۱۳۸۸	۳,۰	۳۸۴۴۶۶,۰
۱۳۸۹	۳,۴	۴۲۵۸۱۰,۰
۱۳۹۰	۳,۶	۵۱۹۹۴۴,۶
۱۳۹۱	۵,۸	۶۴۹۹۳۶,۲
۱۳۹۲	۱۰,۱	۸۵۷۴۰۵,۰
۱۳۹۳	۱۱,۸	۹۹۶۰۲۹,۹
۱۳۹۴	۱۲,۵	۱۰۶۷۶۰۷,۰
۱۳۹۵	۱۳,۲	۱۱۹۱۵۹۰,۶
۱۳۹۶	۱۵,۲	۱۲۷۵۲۲۲,۵

منبع: محاسبات تحقیق و استخراج شده از سالنامه جهاد کشاورزی سال ۱۳۸۸ و ارزش افزوده بخش کشاورزی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۴-۱-۳. موقوفات

برخی مطالعات نشان می‌دهد که اقتصاد وقف در خوش‌بینانه‌ترین حالت حدود یک درصد در وضعیت کنونی دنیا ظرفیت دارند، اما می‌توان با طراحی سیاست پیشرفت اقتصادی نهاد وقف این ظرفیت را تا حدود دو درصد تولید ملی ارتقا داد (جهانیان، ۱۳۹۵، ص. ۱).

بنابراین در این قسمت برای تخمین میزان ظرفیت اوقاف از ۲ درصد تولید ناخالص داخلی سالانه استفاده می‌کنیم. طبیعی است با توجه به آموزه‌های اسلام و توجه ویژه‌ای که به نهاد وقف در بین مسلمین وجود دارد این میزان می‌تواند به مراتب مقادیر بالاتری را نیز در اختیار بگیرد.

جدول (۵): درآمد اوقاف (ارقام به میلیارد ریال)

سال	تولید ناخالص داخلی	درآمد اوقاف
۱۳۸۷	۳۸۹۳۸۹۴,۴	۷۷۸۷۷,۹
۱۳۸۸	۴۰۷۳۱۷۸,۹	۸۱۴۶۳,۶
۱۳۸۹	۴۴۹۰۴۰۳,۸	۹۹۸۰۸,۱
۱۳۹۰	۶۳۶۴۳۶۸,۶	۱۲۷۲۸۷,۴
۱۳۹۱	۷۲۸۳۹۹۱,۳	۱۴۵۶۷۹,۸
۱۳۹۲	۹۸۴۲۶۱۸,۷	۱۹۶۸۵۲,۴
۱۳۹۳	۱۱۲۶۰۰۸۹,۲	۲۲۵۲۰۱,۸
۱۳۹۴	۱۱۱۲۹۰۳۲,۸	۲۲۲۵۸۰,۷
۱۳۹۵	۱۲۷۲۲۸۵۰,۰	۲۵۴۴۵۷,۰
۱۳۹۶	۱۴۸۰۷۱۰۱,۰	۲۹۶۱۴۲,۰

منبع: محاسبات تحقیق

۴-۱-۴. مالیات بر کثرت ثروت

یکی از مالیات‌هایی که براساس مبانی اسلامی برای جبران کسری درآمدهای دولت اسلامی پیشنهاد می‌شود، مالیات بر اصل و فرع کثرت ثروت است. بسیاری از کارشناسان یکی از فلسفه‌های وضع زکات در اسلام را جلوگیری از کثرت و انباشت ثروت می‌دانند. افزون بر هدف‌های کلی که در فلسفه تشریح زکات منظور شده، چنین برمی‌آید، جلوگیری از کثرت پول و خارج ساختن آنها از مدار اقتصادی که سبب رکود فعالیت‌های اقتصادی و بلوکه شدن دارایی‌ها کشور می‌گردد، مورد نظر بوده است: از این روی بسیاری از فقها بر واجب بودن زکات نقدین، به حرمت کثرت نیز استدلال کرده‌اند (اسماعیلی، ۱۳۷۴، ص. ۴۲).

کنز در لغت عرب به مفهوم جمع کردن و ذخیره کردن است. فیومی در مصباح المنیر (ماده کنز) کنز کردن مال را به معنای جمع کردن مال و ذخیره کردن آن دانسته است. مؤلف مجمع البحرین می‌گوید: اصل کنز، مالی است که برای مدتی دفن شده و بر آن افزوده می‌شود. وی پس از چند سطر می‌افزاید: کنز مال به معنای جمع و ذخیره کردن مال است (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص. ۹).

به نظر می‌رسد این مفهوم در اسلام نسبت به اقتصاد متعارف کمی متفاوت باشد. مشهوره (۱۴۱۴ق، ص. ۱۱) معتقد است که کنز کردن از دیدگاه اسلامی، حبس مال و عدم پرداخت حقوق آن مال است. این حقوق، شامل پرداخت زکات، نفقه واجب، سرمایه‌گذاری و رشد دادن مال جهت تحقق مصالح عمومی جامعه می‌شود. وی می‌افزاید که حکمت حرمت کنز، این است که احتکار مال و اختصاص آن به برخی افراد تحقق نیابد، تا با تبادل و تداول آن مصلحت کل جامعه تأمین شود (ص. ۲۱۵) او مفهوم اقتصادی کنز را نگهداری پس اندازها به صورت موجودی نقدی عاطل و بیکار بیان کرده و می‌گوید: کنز در اقتصاد به افزایش رجحان نقدینگی شناخته می‌شود. (ص. ۲۱۵) وی سپس در مقام تحلیل آثار کنز در اقتصاد، این دو مفهوم را یکسان تلقی می‌کند.

شهید صدر (ره) (۱۴۱۷ق، صص. ۳۴۶-۳۵۵-۳۴۶) نیز، کنز در آیه شریفه را، بر خارج کردن پول از گردش اقتصادی و افزودن آن بر ثروت بدون پرداخت زکات آن اطلاق می‌کنند. ایشان سپس می‌گوید: اسلام برای جلوگیری از این انحراف بزرگ، از طریق تشریح زکات بر پول، کنز پول را منع کرده است و برای اثبات این مطلب به آیات ۳۴ و ۳۵ سوره توبه استناد می‌کنند (صص. ۳۴۶-۳۵۵). از کلمات ایشان چنین استفاده می‌شود، که کنز در آیه شریفه به مفهوم ذخیره کردن پول و خارج کردن آن از گردش معاملات و افزودن آن بر ثروت است. این مفهوم از کنز، به مفهوم کنز از دیدگاه اقتصاددانان نزدیک است (میرمعزی، ۱۳۸۲، ص. ۷). که البته پول تنها بخشی از ثروت افراد را شامل می‌شود و دامنه کنز ثروت محدود به پول نیست.

از بررسی مجموع احادیث و آیات می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شرایط عادی و معمولی یعنی در مواقعی که جامعه در وضع ناگوار و خطرناکی نیست و مردم از زندگانی عادی بهره‌مندند پرداختن زکات کافی است و باقیمانده کنز محسوب نمی‌شود.

اما در مواقع فوق العاده و هنگامی که حفظ مصالح جامعه اسلامی ایجاب کند حکومت اسلامی می تواند محدودیتی برای جمع آوری اموال قائل شود و یا به کلی همه اندوخته ها و ذخیره های مردم را برای حفظ موجودیت جامعه اسلامی مطالبه کند (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۲، ص. ۱۲۶).

در این قسمت از مقاله به تخمین میزان مالیات بر کنز ثروت در اقتصاد ایران پرداخته می شود. بدیهی است که أخذ چنین مالیاتی نیازمند جمع آوری و دسترسی اطلاعات قابل توجهی است اما همان طور که در ابتدای مقاله اشاره شد با توجه به حرکت به سمت نظام مالیاتی براساس خود اظهاری مؤدیان و راستی آزمایی دولت و وضع قوانین در این راستا می توان به سمت اجرایی کردن این نوع مالیات حرکت کرد. علاوه بر این با توجه به حجم قابل توجه سوداگری ها در اقتصاد ایران این مالیات با توجه به هزینه ها بودن انباشت ثروت و افزایش انگیزه برای به جریان درآوردن پول در بخش حقیقی اقتصاد می تواند نتایج و ثمرات قابل توجهی را نیز در رشد تولید و ثروت در اقتصاد ایران داشته باشد. برای تخمین میزان ثروت کنز شده در اقتصاد ایران از داده های سپرده های مدت دار، ارز خانگی، سکه های طلا و شمش های طلا استفاده می شود. طبیعی است که می توان با تعیین معیارهایی این پایه مالیاتی را متناسب با شرایط اقتصادی با دارایی های دیگری گسترش داد. در جدول (۶) داده های مربوطه آمده است. برای داده های مربوط به سپرده های مدت دار از آمارهای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است. اما برای سکه و ارز و شمش های طلا آمار سمی و دقیقی منتشر نشده است و فقط براساس اظهارات مسئولین و مصاحبه های رئیس کل بانک مرکزی در دوره های قبل استخراج گردیده است.

جدول (۶): درآمد اوقاف (ارقام فرمز رنگ تخمینی است)

۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰	۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷
na	na	۳۹۳۵۵	۵۲۸۶۲	۳۷۰۰۲	۲۶۹۲۵	۲۹۶۶۶	۱۳۲۷۳	۸۶۹۰۹	۷۲۰۰۳	۶۷۳۰۴	۵۶۷۵
na	na	۸۴۰۳۶	۴۸۳۶۹	۴۴۸۷۲	۳۴۰۴۱۷۵	۲۶۶۰۳۲۴۰	۱۱۳۲۶۴۴۵	۱۴۲۸۰۲۷۰	۱۱۱۶۳۹۹	۸۴۸۹۵۶۵	۶۱۰۱۸۵۵
۳۰	۲۵	۲۰	۲۰	۲۰	۱۸	۱۵	۱۲	۱۰	۹	۸	۷
۴۰۰۰۰۰	۱۶۰۰۰۰۰	۴۴۰۰۰	na	na	na	na	۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	na	۵۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰
۲۸۰۴۰۰۰۰	۲۴۰۴۰۰۰۰	۲۰۴۴۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰۰	۱۵۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰۰
na	na	۴۰۰	۳۰۰	۲۰۰	۱۰۰	na	na	na	na	na	na
na	۲۵۵۴۲۰۰۰	۱۳۲۶۴۰۰۰	۱۱۱۰۵۰۰۰	۹۳۳۰۵۰۲	۹۶۵۱۷۷۶	۱۰۶۰۳۳۸۵	۱۰۲۰۵۳۳۶	۵۶۷۱۳۳۳	۳۳۵۰۶۵۱	۲۴۱۵۰۸۰	۳۳۱۶۴۹۰
na	۱۰۷۸۳۲	۴۰۴۵۳	۳۶۴۴۰	۳۴۵۰۱	۳۲۸۰۱	۳۱۸۴۹	۲۶۰۵۹	۱۳۵۶۸	۱۰۶۰۱	۹۹۷۹	۹۶۶۷
#VALUE!	#VALUE!	۲۳۳۱۲۰۹	۲۴۰۲۵۶	۲۲۱۲۰۴	۱۰۴۸۶۴۰۱	۷۸۸۰۵۸	۵۶۲۶۹۹	۴۱۲۴۱۲	۳۱۱۳۲۱	۲۳۸۴۰۳	۱۷۳۵۰۱

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در اینجا با استفاده از متوسط ضریب زکات نرخ مالیات بر کنز ثروت را ۲٫۵ درصد در نظر می‌گیریم. بدیهی است که تعیین نصاب‌های متفاوت برای انباشت‌های ثروت بالاتر میزان درآمدی این مالیات افزایش خواهد یافت. نکته قابل توجه این است که در ایران از طلاهای زینتی و زمین نیز برای کنز ثروت استفاده می‌شود که می‌توان این موارد را نیز با رعایت نکاتی در پایه مالیاتی وارد کرد. در مرحله اجرا نیز امکان تعریف پایه مالیاتی جدید مثل زمین‌های رهاشده توسط سرمایه‌گذاران و هر منبع و ابزار تولیدی که به هر دلیلی از چرخه تولیدی خارج شده است، وجود دارد. وضع این مالیات چیز متفاوتی از مالیات بر عایدی سرمایه است. این مالیات به خود منابعی تعلق می‌گیرد که از چرخه تولید خارج شده است.

۴-۱-۵. تخمین میزان انفال

امروزه غالب موارد انفال از جمله زمین‌های بدون وارث جنگل‌ها و دریاها قابل درآمدزایی نیست یا داده‌هایی برای بررسی میزان درآمدزایی آنها وجود ندارد، اما نفت و گاز و سایر معادن که در اختیار حکومت اسلامی قرار دارد جز انفال بوده و حاکم بر اساس منافع و مصلحت جامعه می‌تواند از این درآمدها استفاده کند. در ادامه درآمدهای نفت و مشتقات آن که برای سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۶ که در اختیار دولت قرار داشته و یا در بودجه دولت وارد شده، ارائه شده است:

جدول (۷): درآمدهای نفتی طی سال‌های ۸۷ - ۱۳۹۶ (ارقام به میلیارد ریال)

۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
۲۱۵۴۵۰٫۳	۱۵۷۸۱۷٫۵	۴۳۴۶۸۵٫۵	۵۶۲۷۸۰٫۱	۴۲۵۵۲۶٫۵	۶۰۹۴۰۰	۶۲۹۲۰۶٫۳	۶۷۰۳۵۴٫۳	۱۳۸۸۱۸٫۶	۹۱۹۲۲۶٫۳

منبع: وزارت امور اقتصاد و دارایی جمهوری اسلامی ایران

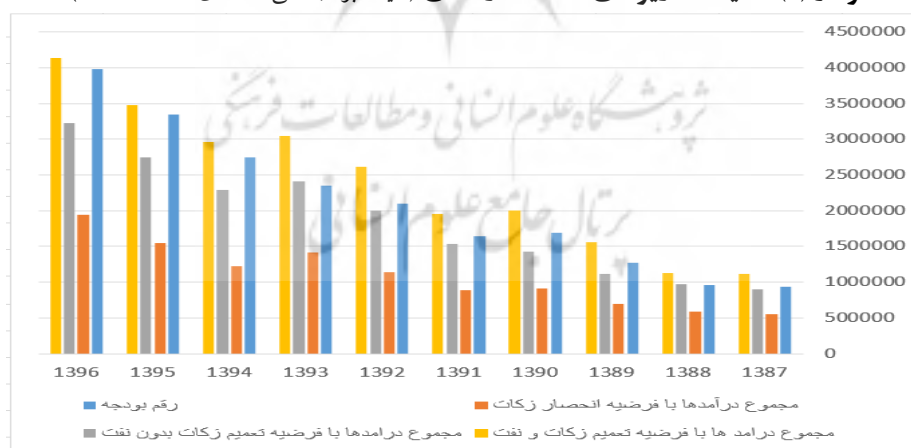
۵. نقش پرداخت‌های شرعی در بودجه

باتوجه به محاسبات و آمارهای ارائه شده، مجموع درآمدهای ممکن برای دولت در جدول (۸) آمده است. لازم به ذکر است که به دلیل محدودیت‌های آماری و مباحث نظری برخی

ارقام مثل محاسبه مالیات‌های سیاست‌گذاری و مالیات‌های حکومتی ممکن نیست، اما بحثی که اجماع کارشناسان بر آن اتفاق افتاده است بحث نظام مالیاتی کشور بوده که نه تنها پایه مالیاتی متناسب را ندارد بلکه فرار مالیاتی قابل توجهی نیز اتفاق می‌افتد. در جدول (۸) آمار منابع درآمدی دولت بدون در نظر گرفتن درآمدهای بالقوه در جانب درآمدهای مالیاتی و درآمدهای ناشی از تملک دارایی و مدیریت انفال و اموال عمومی و اوراق بدهی عاید دولت می‌شود، آمده است.

در ادامه با فرض چند سناریو که در جدول (۹) آمده است میزان درآمدهای دولت در سال‌های مختلف محاسبه و با رقم بودجه مقایسه شده است. در سناریو اول مجموع درآمدها با فرض انحصار زکات در موارد نه‌گانه بدون احتساب درآمدهای نفتی محاسبه شده؛ در سناریو دوم میزان درآمدها با فرض نظریه تعمیم زکات و بدون درآمدهای نفت محاسبه شده و در سطر آخر مجموع همه درآمدها آورده شده است. هرچند همان‌طور که اشاره شد برخی از درآمدها را به دلیل محدودیت‌های آماری نمی‌توان در محاسبات وارد کرد اما آن چیزی که روشن است این است که درآمدهای ناشی از پرداخت‌های شرعی می‌تواند نقش مؤثری در جایگزینی با بخشی از درآمدهای نفتی را ایفا کند. مقایسه و سهم هر بخش از درآمدها در جدول (۹) و نمودار (۱) نشان داده شده است.

نمودار (۱): مقایسه سناریوهای مختلف درآمدی (لایحه بودجه طی سال‌های ۱۳۸۷ - ۱۳۹۶)



منبع: محاسبات تحقیق

جدول (۸): منابع درآمد دولت اسلامی طی سال های

عنوان	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
فروش نفت و فرآورده های نفتی	۲۱۵۵۰.۳	۱۵۷۸۱۷.۵	۴۴۴۸۵.۵	۵۶۲۷۷.۱	۴۴۵۲۶.۵	۶۰۹۴۰۰۰	۶۹۲۰۶۳	۶۷۰۳۵۴.۳	۷۳۸۱۸.۶	۹۱۹۲۲۶.۳
درآمدهای مالیاتی	۳۲۹۷۴۱.۳	۳۰۰۰۳۵.۵	۲۸۴۵۲۷.۹	۳۵۹۴۵۱.۳	۳۹۵۱۶۶.۶	۴۹۴۲۴۹.۷	۷۰۹۶۵۱.۹	۷۹۱۸۹۰.۵	۱۰۰۱۴۷۰.۴	۱۱۵۸۳۸۰.۴
درآمدهای مالیاتی بدون مالیات بر درآمد اوقاف	۲۰۸۱۵۳.۸	۲۶۶۱۰۷.۵	۲۴۳۴۱۲.۳	۳۰۹۸۳۹.۲	۳۳۲۴۸۸.۴	۴۱۸۱۸۱.۷	۶۱۵۶۱۴.۰	۶۷۴۰۷۹.۹	۸۶۵۰۸۲.۱	۱۰۰۵۸۳۵.۱
زکات تعمیم	۷۷۸۷۷.۹	۸۱۴۶۲.۶	۹۹۸۰۸.۱	۱۲۲۸۷.۴	۱۴۵۶۹.۸	۱۹۶۸۵۲.۴	۲۲۵۲۰۱.۸	۲۲۵۸۰.۷	۲۵۴۴۵.۷	۲۹۶۱۴۲.۰
زکات اموال و کسب	۳۴۱۶۰.۷۶	۳۸۴۴۶۶.۰	۴۴۵۸۸۰.۰	۵۱۹۹۴۶.۶	۶۴۹۳۶۲.۲	۸۵۷۴۰۵.۰	۹۹۶۰۲۹.۹	۱۰۶۷۶۰.۷۰	۱۱۹۱۵۹.۰۶	۱۲۷۵۲۲۲.۵
زکات خمس	۲.۵	۳.۰	۳.۴	۳.۶	۵.۸	۱۰.۱	۱۱.۸	۱۲.۵	۱۳.۲	۱۵.۲
مالیات بر کسب و تجارت (میلیارد ریال)	۲۱۱۳۳۰.۹	۱۷۷۷۳۲.۶	۲۷۸۱۶۱.۴	۳۸۱۵۲۸.۳	۲۸۶۳۳۹.۷	۳۷۴۴۱۳.۴	۳۷۵۰۸۰.۱	۱۸۷۲۱۴.۳	۲۵۴۷۷۳.۲	۴۶۶۲۸۹.۱
	۱۷۲۵۰.۱	۲۳۸۴۰.۳	۳۱۱۲۷.۱	۴۱۲۴۱.۲	۵۶۲۶۹.۹	۷۸۸۰۵.۸	۱۰۴۸۶۴.۱	۲۲۱۴۰.۴	۲۴۰۲۵.۶	۲۷۳۱۷.۹

منبع: محاسبات تحقیق

جدول (۹): مجموع منابع دولت اسلامی در سناریو های

عنوان	مختلاف ۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶
رقم بودجه	۹۶۰۰۰۰	۹۳۹۰۰۰	۱۲۷۰۰۰۰	۱۶۹۰۰۰۰	۱۶۴۰۰۰۰	۳۱۰۰۰۰۰	۳۳۵۰۰۰۰	۲۷۴۰۰۰۰	۳۳۵۰۰۰۰	۳۹۸۰۰۰۰
مجموع درآمدها با فرضیه انحصار زکات	۵۴۳۰۲۰.۷	۵۴۳۰۲۰.۷	۵۸۳۰۷۴.۹	۶۹۳۶۱۷.۹	۹۰۹۵۱۱.۹	۱۱۴۴۳۱.۴	۱۴۱۴۸۰۹.۶	۱۲۲۳۸۱۸.۴	۱۵۴۱۷۹۳.۰	۱۹۴۵۵۳۴.۴
مجموع درآمدها با فرضیه تعمیم زکات بدون نفت	۸۹۳۸۰۷.۸	۸۹۳۸۰۷.۸	۹۶۷۵۳۸.۰	۱۱۱۹۵۰۴.۵	۱۴۲۹۴۵.۸	۲۰۰۱۷۲۶.۳	۲۴۱۰۸۲۷.۸	۲۲۹۱۴۱۲.۹	۲۷۳۹۵۵۰.۴	۳۲۲۰۷۴۱.۷
مجموع درآمد ها با فرضیه تعمیم زکات و نفت	۱۱۰۹۴۵۸.۱	۱۱۰۹۴۵۸.۱	۱۱۲۵۳۵۵.۵	۱۵۵۳۹۹۰.۰	۱۹۹۷۷۲۹.۹	۲۶۱۱۱۲۶.۳	۳۰۴۰۰۳۴.۱	۲۹۶۱۷۹۷.۲	۳۴۱۸۳۶۹.۰	۴۱۳۹۹۶۸.۰
مجموع همه منابع درآمدی	۱۱۰۹۴۵۸.۱	۱۱۰۹۴۵۸.۱	۱۱۲۵۳۵۵.۵	۱۵۵۳۹۹۰.۰	۱۹۹۷۷۲۹.۹	۲۶۱۱۱۲۶.۳	۳۰۴۰۰۳۴.۱	۲۹۶۱۷۹۷.۲	۳۴۱۸۳۶۹.۰	۴۱۳۹۹۶۸.۰

منبع: محاسبات تحقیق

براساس محاسبات ارائه شده تقریباً در همه سال‌ها میزان برآورد درآمد براساس فرضیه تعمیم زکات به همراه درآمد نفت توانایی پوشش مخارج بودجه را داشته است. همچنین بدون محاسبه درآمد نفتی، مابقی درآمدها به طور متوسط می‌تواند بیش از ۸۰ درصد از رقم بودجه را تأمین کند، تاجایی که براساس محاسبات این نسبت برای سال ۱۳۹۳ با رقم ۳۰۴۰۰۳۴ میلیارد ریال از میزان رقم بودجه نیز بیشتر است. این در حالی است که بخشی از درآمدهای دولت را مثل درآمدهای ناشی از واگذاری، اموال عمومی و تملک دارایی که می‌تواند حجم قابل توجهی را نیز به خود اختصاص دهد، نادیده گرفته شده است. علاوه بر آن در ابتدای دهه درآمدهای دولت غیر از نفت سهم بیشتری را از بودجه نسبت به سال‌های اخیر ایفا می‌کرده است. این خود می‌تواند دلایل متفاوتی داشته باشد که یکی از آن می‌توان وضعیت رکودی و تورمی حاکم بر اقتصاد ایران باشد.

به‌رحال تا نظام مالیات ستانی اصلاح نشود نمی‌توان در مورد نقش پرداخت‌های شرعی در تأمین مالی دولت اظهار نظر قطعی کرد، اما نکته مهم این است که پرداخت‌های شرعی می‌تواند نقش مؤثری را در نظام مالیات ستانی ایران ایفا کند. هرچند که پرداخت‌های شرعی برای پوشش هزینه‌های دولت در وضعیت فعلی مکفی نیست اما با توجه به سایر منابع درآمدی دولت اسلامی، برنامه‌ریزی مناسب و مدیریت انفال می‌تواند به سمت تأمین مالی متناسب با نظام اقتصادی اسلام حرکت کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ایران از آنجاکه قبل از سال ۱۳۵۷ حکومت اسلامی براساس میانی شیعی وجود نداشت، ساختارهای مالیاتی و اقتصادی جامعه براساس اسلوبی غیر اسلامی پی‌ریزی شد و انقلاب اسلامی نیز این ساختارها را به ارث برد در حالی که هیچ توجهی به زکات و خمس نشده بود. از طرفی وابستگی بیش از حد اقتصاد ایران به درآمدهای نفتی سبب شد که دولت‌ها در ایران توجه چندانی به درآمدهای مالیاتی نداشته باشند.

از طرف دیگر وجود پرداخت‌ها و مالیات‌های شرعی در حکومت اسلامی مسأله دیگری است که باید مورد توجه قرار بگیرد و جایگاه آن در حکومت اسلامی و تأمین مالی دولت‌ها روشن گردد. طبیعی است که برقراری دو سیستم مستقل از هم برای پرداخت‌های مالیات‌های متعارف و پرداخت‌های شرعی مشکلات قابل توجهی را مثل

پرداخت‌های دوسویه، تأثیر منفی در انجام ادای دین مؤدیان و کاهش درآمدهای لازم برای دولت اسلامی را در پی داشته باشد.

راهکار اصلی حل این مشکل تعریف و اجرای یک سیستم مالیاتی مناسب برای تأمین بودجه دولت است. سیستم مالیاتی با پایه‌ها و ضرایب مالیاتی کارا، ایجاد درآمد باثبات برای دولت بر پایه شفافیت اطلاعات و مقابله با هر نوع فساد و فرار مالیاتی می‌تواند بخش مهمی از مشکل را حل کرده و مانع از خرج کردن مستقیم درآمدهای نفتی توسط دولت شود.

سؤال اصلی و کلی روبه‌رو است و آن این است که نحوه تأمین مالی دولت اسلامی در شرایط کنونی چگونه است و سازوکار مالیات‌ها در یک حکومت اسلامی به چه نحوی باید باشد؟

در مقاله حاضر ابتدا منابع درآمدی که در اسلام برای دولت تعیین شده مورد بررسی قرار گرفت و روشن گردید که علاوه بر پرداخت‌های شرعی حاکم اسلامی می‌تواند متناسب با شرایط زمانه می‌تواند مالیات‌هایی را متناسب با مبانی اسلامی وضع کند. همچنین توجه مدیریت انفال در راستای منافع اجتماعی و رفاه جامعه از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است.

در این راستا سنت پرداخت‌های شرعی به مراجع عظام تقلید به‌نوعی منجر به این مسأله شده است که دولت‌ها مسئولیتی در قبال آن متوجه خود ندانند و این خود مشکلاتی را به دنبال داشته باشد. در یک نظام با وجود چند مرجع تقلید باید یک همکاری و هماهنگی مستمر بین مراجع تقلید و دولت اسلامی تحت نظارت حاکم اسلامی ایجاد شود. این مهم نیازمند یک نهاد هماهنگ‌کننده و تصمیم‌گیری مشترک است. در این ساختار بازهم مشابه حالت قبل، حکومت اسلامی اقدام به جمع‌آوری درآمدها به صورت متمرکز می‌کند با این تمایز که وجوهات مختص مراجع مستقل از یکدیگر و به صورت تفکیک‌شده در نظر گرفته می‌شود. در این صورت مراجع نیز علاوه بر دولت اسلامی با توجه به منابع وجوهات سال قبل و برنامه‌های خود با توجه به دفاتر در سطح کشور و ارتباطات مردمی ارائه می‌دهند. تصمیم‌گیری در مورد وجوهات خمس و موقوفات عام در «شورای هماهنگی وجوه شرعی» که نمایندگان مراجع و نمایندگان دولت اسلامی در

آن حضور دارند انجام می‌شود. وظیفه اصلی این شورا تصمیم‌گیری برای منابع در راستای اهداف مشترک و جلوگیری از تخصیص‌های موازی و شفاف‌سازی در تخصیص وجوهات شرعی، زیر نظر ولایت فقیه است.

در ادامه نیز با بررسی داده‌های اقتصاد ایران براساس مبانی اسلامی وضع مالیات بر کثرت ثروت بررسی و میزان درآمد آن و درآمدهای سایر منابع برای ایران محاسبه گردید. پس از آن با در نظر گرفتن سناریوهای مختلف به مقایسه درآمدهای دولت با بودجه سال‌های مختلف پرداخته شد و این مسأله روشن گردید که هرچند امکان تخمین دقیق میزان درآمدهای ناشی از منابع مقرر شده امکان‌پذیر نیست اما توجه به پرداخت‌های شرعی خود می‌تواند نقش مهمی را در بودجه دولت اسلامی ایفا کند.

نکته مهم‌تر این است که طراحی نظام یکپارچه مالیاتی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی می‌تواند اجرای احکام الهی در جامعه را آسان‌تر کرده و از طرف دیگر افراد جامعه در انجام وظایف دینی راحت‌تر عمل کنند.

یادداشت‌ها

۱. أما الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.
۲. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» از اموال آنان زکات بگیر تا به وسیله آن، آنان را پاک سازی و پرورش دهی. بر آنان دعا کن. دعای تو، مایه آرامش آنان است.
۳. اموال بنی نضیر، فیء خداوند به پیامبرش بود که مسلمانان برای تصرف آن لشکرکشی نکردند و اسب و اسلحه به کار نبردند.
۴. «الذُّرَّةُ وَ الْعَدَسُ وَ السُّلْتُ وَ الْحُبُّوبُ فِيهَا مِثْلُ مَا فِي الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ كُلُّ مَا كَيْلٌ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقَ الَّتِي تَجِبُ فِيهَا الزُّكَاةُ فَعَلَيْهِ فِيهَا الزُّكَاةُ».
۵. «وَضَعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَ عَلِيُّ الْخَيْلِ الْعِتَاقِ الرَّاعِيَةَ فِي كُلِّ فَرَسٍ فِي كُلِّ عَامٍ دِينَارَيْنِ وَ جَعَلَ عَلِيُّ الْبَرَادِينَ دِينَارًا»

6. Inheritance Tax or Estate Tax

۷. ر.ک: عسکری و کاشیان (۱۳۸۹).

۸. ر.ک: عسکری و محمدی پور (۱۳۹۸).

۹. ر.ک: قائنی (۱۳۸۵)؛ و توسلی (۱۳۹۴).

۱۰. ر.ک: عسکری، محمدی پور (۱۳۹۷).

کتابنامه

نهج البلاغه.

ابن منظور (بی تا). لسان العرب. بیروت: دار الجیل و دار لسان العرب.

اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۴). موارد وجوب زکات و خمس. فصلنامه فقه، ۱(۳)، ۱-۱۷.

پبله فروش، میثم (۱۳۹۱). رد پای نفت در بودجه. فصلنامه تازه های اقتصاد، ۳۴(۱۳۶)، ۴۸-۵۰.
توسلی، محمد اسماعیل (۱۳۹۴). امکان سنجی فقهی احیای زکات پول های نقد رایج کنونی. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، ۲(۷)، ۲۷-۴۸.

توکلی، محمد جواد؛ و بحرینی، حسین (۱۳۹۴). تمایز مالیات های حمایتی و خدماتی در نظام مالیاتی اسلام. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، ۲۵(۷۳)، ۲۰۱-۲۳۰.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). مبانی اقتصاد اسلامی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). مالیات های حکومتی از دیدگاه فقه، نظام مالی اسلام (مجموعه مقالات) (احمد علی یوسفی، به اهتمام). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جهانیان، ناصر (۱۳۹۰). مبانی، اهداف و جایگاه وقف در مکتب اقتصادی اسلام، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۱(۴۲)، ۸۷-۱۱۶.

جهانیان، ناصر (۱۳۹۵). جایگاه نهاد وقف در اقتصاد بخش سوم. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۶(۶۲)، ۷۹-۱۰۶.

جزیره دار، عبدالکریم؛ و نفیسی، سعید (۱۳۹۲). مسیحیت در ایران تا صدر اسلام. تهران: اساطیر. حائری، محمد حسن (۱۳۸۰). وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفائی اقتصاد اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.

حبیبیان نقیعی، مجید؛ نبوی، شریفه؛ و هاشم پور، زینب (۱۳۹۳). بازخوانی مالیات بر ارث. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، ۲۱(۶۹)، ۹۳-۱۱۴.

حرعاملی، محمد بن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه. قم: المکتبه الاسلامیه.

حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق). *شرائع الاسلام فی المسائل الحلال و الحرام* (چاپ ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خلیلیان اشکذری، و محمدجمال، حمید جوشقانی (۱۳۹۷). *الگوی پیشنهادی تدوین بودجه دولت اسلامی*. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۱۸(۷۱)، ۹۹-۱۳۷.

رضایی دوانی، مجید؛ فراهانی فرد، سعید؛ و معصومی نیا، غلامعلی (۱۳۷۹). *نظام مالی دولت‌های مسلمان از ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی زمخشری، محمود (۲۰۰۶م)، *الکشاف*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

رضایی دوانی، مجید (۱۳۸۲). *مالیات‌های حکومتی: مشروعیت یا عدم مشروعیت*. *فصلنامه نامه مفید*، ۹(۳۵)، ۲۵-۴۲.

سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۸). *چارچوب اصلاح ساختاری بودجه با رویکرد قطع وابستگی مستقیم بودجه به نفت* (نسخه مقدماتی). تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور. سلیمی فر، مصطفی (۱۳۷۰). *نگاهی به وقف و آثار اقتصادی-اجتماعی آن* (چاپ اول). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

شهابی، علی اکبر (۱۳۴۹). *مقدمه‌ای بر فرهنگ وقف در اسلام*. تهران: دانشگاه تهران. شعبانی، احمد؛ کاشیان، عبدالمحمد؛ عسکری، محمد مهدی (۱۳۹۴). *تبیین مؤلفه‌های تأثیرگذار در طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران و ارائه یک الگو*. *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۶(۱۲)، ۳۶۱-۴۰۶. doi: 10.30497/ies.2019.2369

شعبانی، احمد؛ و عبدالمحمد، کاشیان (۱۳۹۴). *طراحی سازوکار ورود خمس به اقتصاد ایران و آثار بالقوه اقتصادی آن*. *دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۸(۱۶)، ۳۹-۷۴

صادقی پور، علی؛ فراهانی فرد، سعید؛ و غلامی جمکرانی، رضا (۱۳۹۶). *مدل مفهومی سرمایه‌گذاری پاک با تأکید بر راهبری شرکتی با رویکرد اسلامی*. *دوفصلنامه تحقیقات مالی اسلامی*، ۷(۱)، ۱۹۱-۲۱۸. doi: 10.30497/ifr.2017.2131

صانعی، مهدی (۱۳۷۹). *انفال و آثار آن در اسلام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه. صدر، سیدکاظم (۱۳۸۷). *اقتصاد صدر اسلام*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

صدر، السید محمدباقر (۱۴۱۷ق). *اقتصادنا*. بیروت: مکتب الاعلام الاسلامی فرع خراسان. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۲). *سنن النبی* (محمدهادی فقهی، مترجم). تهران: اسلامیه.

- عاقلی، لطفعلی (۱۳۹۱). سنجش ظرفیت پرداخت مالیات‌های اسلامی در استان‌های کشور. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، ۱۶(۶۴)، ۹۱-۶۱.
- عسکری، قاسم (۱۳۹۰). جایگاه وقف در فرایند توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.
- عسکری، محمد مهدی؛ و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹). آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷. دوفصلنامه معرفت اقتصادی، ۲(۳)، ۵-۳۶.
- عسکری، محمد مهدی؛ و محمدی پور، احمد (۱۳۹۸). نقش زکات در کاهش فقر در اقتصاد ایران با استفاده از مدل پویای تصادفی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.
- عیسوی، محمود؛ طالبلو، رضا؛ و کاظمی، مصطفی (۱۳۹۳). طراحی مدل پیشنهادی صندوق مشترک سرمایه‌گذاری وقف در اقتصاد ایران، دوفصلنامه جستارهای اقتصاد ایران، ۱۱(۲۱)، ۷۵-۹۶.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۵). بهره‌برداری از منابع طبیعی در نظام اقتصادی اسلام. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۵(۲۱)، ۱۳-۴۳.
- قحف، منذر (۱۴۲۲ق). ایرادات المیزانیه العامه للدوله الاسلامی. جده: البنك الاسلامی للتنمیه.
- قائنی، محمد (۱۳۸۵). زکات پول‌های رایج و اشیای نو پیدا. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- کیاالحسینی، سیدضیالدین (۱۳۸۰). برآورد خمس ارباح مکاسب به عنوان یکی از منابع مالی اسلامی تأمین اجتماعی. فصلنامه تأمین اجتماعی، ۳(۹)، ۵-۳۴.
- گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۰). دولت و سیاست‌های اقتصادی، آمده در دانشنامه امام علی، زیر نظر علی‌اکبر رشاد (جلد ۷). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- محقق الکرکی (۱۴۰۹ق). رسائل المحقق الکرکی. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- مزیانی، محمدصادق (۱۳۶۶). زکات به عنوان منبع مالی حکومت اسلامی. نشریه فقه، شماره ۳. مشهوره، امیره عبداللطیف (۱۴۱۴ق). الاستثمار فی الاقتصاد اسلامی. القاهرة: مکتبه مدبولی.
- مصباحی مقدم، غلامرضا؛ و میثمی، حسین (۱۳۹۴). بیت‌المال در اقتصاد و مالیه اسلامی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران.

موحدی بکنظر، مهدی؛ و رضایی، محمدجواد (۱۳۹۱). ارتباط وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی-ایرانی (دلالت‌هایی برای حل پرداخت‌های دوسویه).

فصلنامه پژوهشنامه مالیات، ۲۰(۱۵)، ۱۷۳-۱۵۳

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶). ولایت فقیه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
مصباحی مقدم، غلامرضا؛ موسی شهبازی، غیائی؛ و نخلی، رضا (۱۳۹۰). فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۶(۴۸)، ۲۲۱-۱۹۳.

مؤمن، محمد (۱۳۸۹). رابطه خمس و زکات با مالیات‌های حکومتی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱(۲)، ۲۳-۳۲.

میرمعزی، حسین (۱۳۸۲). مفهوم کنز از دیدگاه علم اقتصاد و اندیشمندان اسلامی. فصلنامه مفید، ۹(۳۵)، ۲۳-۴۰.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان (۱۴۱۳ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸)، تحریرالوسیله (علی اسلامی، مترجم). چاپ اول. تهران: دفتر انتشارات اسلامی.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۰ق)، البیع (چاپ چهارم). قم: اسماعیلیان
موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۲۳ق). در یک جلد. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). مبانی فقهی حکومت اسلامی (محمود صلواتی، و ابوالشکور). قم: کیهان.

منتظری، حسینعلی (۱۴۱۱ق). الخمس و الانفال. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام. بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
نظری، حسن آقا (۱۳۸۵). نگرش علمی به هزینه و درآمد دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

A Group of Authors (2009). Fundamentals of Islamic Economics. Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position) (In Persian).

Aqeli, L. (1391). Assessing the Capacity to Pay Islamic Taxes in the Provinces of the Country. *Journal of Tax Research*, 16 (64), 91-61 (In Persian).

Askari, Q. (1390). The Position of Endowment in the Process of Economic Development of the Islamic Republic of Iran (Master Thesis) Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

- Askari, M, M; & Kashian, A, M. (2010). Zakat and Khums Adequacy Test in Providing the Minimum Livelihood of Needy Families in the Iranian Economy During the Years 1380 to 1387. *Bi-Quarterly Journal of Economic Knowledge*, 2 (3), 5-36.
- Askari, M, M; & Mohammadipoor, A. (1398). The Role of Zakat in Poverty Reduction in the Iranian Economy Using a Stochastic Dynamic Model (Master Thesis). Imam Sadiq University, Tehran, Iran (In Persian).
- Christian, M; Taliblo, R; & Kazemi, M. (1393). Designing the Proposed Model of Waqf Investment Fund in Iranian Economy, *Bi-Quarterly Journal of Iranian Economics*, 11 (21), 75-96 (In Persian).
- Country Program & Budget Organization (1398). Structural Budget Reform framework with the Approach of Cutting the Direct Dependence of the Budget on Oil (Preliminary Version). Tehran: Country Plan and Budget Organization (In Persian).
- Cocoon-seller, M, (1391). Oil footprint in the budget. *Economic Quarterly*, 34 (136), 48-50 (In Persian).
- Farahani-Fard, S. (1385). Exploitation of Natural Resources in the Islamic Economic System. *Islamic Economics Quarterly*, 5 (21), 13-43 (In Persian).
- Famous, A, A, L. (1414 AH). Exploitation in the Islamic Economy. Cairo: Madbouli School (In Persian).
- Gilak Hakimebadi, M, T. (1380). Government and Economic Policies, in the Encyclopedia of Imam Ali, under the Supervision of Ali Akbar Rashad (Vol. 7). Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought (In Persian).
- Ghohaf, M (1442 A.h). The Objections of the Public Media to the Islamic Stat. Jaddeh: Albayk Aleslami LeIjnmiyeh (In Persian).
- Haeri, M, H. (1380). Waqf in Islamic Jurisprudence and its Role in the Flourishing of Islamic Economics. Mashhad: Islamic Research Foundation (In Persian).
- Habibian Naghibi, M; Prophetic, H; & Hashempour, Z. (1393). Inheritance tax review. *Journal of Tax Research*, 21 (69), 93-114 (In Persian).
- Har'amlı, Muhammad ibn (1403 AH). Shiite means. Qom: Islamic Library (In Persian).
- Hali, Ja'far ibn Hassan (1407 AH). Sharia of Islam in Halal and Haram Issues (2nd Edition). Qom: Ismaili Institute (In Persian).
- Ibn Manzoor (Bi,ta). Arabic Language. Beirut: Dar Al-Jail and Dar Al-Lisan Al-Arab (In Persian).
- Ismaili, I, (1374). Obligations of Zakat and Khums. *Jurisprudence Quarterly*, 1 (3), 1-17 (In Persian).
- Javadi A, A. (1379). Government Taxes from the Point of View of Jurisprudence, Islamic Financial System (Collection of Articles) (Ahmad Ali Yousefi, ed.). Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought (In Persian).
- Jahanian, N. (1390). Principles, Goals and Position of Endowment in the Islamic School of Economics, *Islamic Economics Quarterly*, 11 (42), 87-116 (In Persian).
- Jahanian, N, (2015). The Position of the Endowment Institution in the Economy of the Third Sector. *Islamic Economics Quarterly*, 16 (62), 79-106 (In Persian).

- Jaziradar, A, K; & Nafisi, S, (1392). Christianity in Iran until the Beginning of Islam. Tehran: Myths (In Persian).
- Khalilian A, M, J, & Joshaghani, H. (1397). Proposed Model for Compiling the Budget of the Islamic State. *Islamic Economics Quarterly*, 18 (71), 99-137 (In Persian).
- Kia Al-Husseini, Seyed Zia Al-Din (1380). Estimation of khums of gains as one of the Islamic Financial Sources of Social Security. *Social Security Quarterly*, 3 (9), 5-34 (In Persian).
- Mazinani, M, S. (1366). Zakat as a Financial Source of the Islamic Government. *Journal of Jurisprudence*, No. 3 (In Persian).
- Mesbahi Moghadam, G, R; Shahbazi, Ghiasi, M; & Nakhli, R. (1390). Iranian *Journal of Economic Research*, 16 (48), 221-193 (In Persian).
- Mesbahi Moghadam, G, R; & Meysamy, H. (1394). Treasury in Islamic Economics and Finance. Tehran: Imam Sadiq University, Tehran, Iran Meysamy (In Persian).
- Mir Moazi, H. (1382). The Concept of Keynes from the Perspective of Economics and Islamic Thinkers. *Useful Quarterly*, 9 (35), 23-40 (In Persian).
- Mohaqqeq, Al-Karki (1409 AH). The Letters of Al-Muhaqqiq Al-Karki. Qom: The Library of the Great Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi (In Persian).
- Movahedi Baknazar, M; & Rezaei, M, J. (1391). Relationship between Sharia funds and Government Taxes in the Pattern of Islamic-Iranian Progress (Implications for Resolving Bilateral Payments). *Quarterly Journal of Tax Research*, 20 (15), 173-153 (In Persian).
- Mousavia Khomeini, S, R. (1376). Faqih. Tehran: Imam Khomeini Publishing House (In Persian).
- Mousavieh Khomeini, S, R. (1368), Tahrir al-Wasila (Ali Eslami, translator). First Edition. Tehran: Islamic Publications Office (In Persian).
- Mousavi Khomeini, S, R. (1423 AH). In one Volume. Qom: Institute for Organizing and Publishing the works of Imam Khomeini (In Persian).
- Montazeri, H, A. (1409 AH). Jurisprudential Principles of Islamic Government (Mahmoud Salavati, and Abu al-Shukuri). Qom: Universe (In Persian).
- Montazeri, H, A. (1411 AH). Fifth and Anfal. Qom: Islamic Publishing Institute (In Persian).
- Mo'men, M (1389). The Relationship between Khums and Zakat and Government Taxes. *Islamic Economics Quarterly*, No. 1 (2), 23-32 (In Persian).
- Musawiya Khomeini, S, R. (1379), Al-Bayy. Tehran: Imam Khomeini Publishing House (In Persian).
- Mufid, M, ibn M, ibn Nu'man (1413 AH). *Almagnaeh*. Qom: Sheikh Mofid Millennium World Congress (In Persian).
- Mousavi Khomeini, S, R. (1410 AH), Al-Bayy (fourth edition). Qom: Ismailis. (In Persian).
- Nahjol Balaghe (In Persian).
- Najafi, M, H. (1362). Jewel of the word. Beirut: Dar Al-Haya Al-Tarath Al-Arabi (In Persian).
- Nazari, H, A. (1385). Scientific Attitude to the cost and Income of the Islamic State. Qom: Research Institute and University, 2006 (In Persian).

- Qaeni, M. (2006). Zakat on Common Currencies and New Objects. Qom: Jurisprudential Center of the Imams (In Persian).
- Rezaei Dowani, M; Farahani Fard, S; & Innocents, G, A. (1379). The Financial System of Muslim States from the Advent of Islam to the Fourth Century AH. Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought
- Rezaei Dowani, M. (1382). Government Taxes: Legitimacy or Illegitimacy. Mofid Quarterly, 9 (35), 25-42 (In Persian).
- Sadeghipour, A; Farahani-Fard, S; & Gholami Jamkarani, R. (1396). Conceptual Model of Clean Investment with Emphasis on Corporate Governance with an Islamic Approach. Bi-Quarterly Journal of Islamic Financial Research, 7 (1), 191-218. doi: 10.30497 / ifr.2017.2131
- Sadr, S, K. (1387). Economics of the Beginning of Islam. Tehran: Shahid Beheshti University (In Persian).
- Sadr, S, M, B (1417 AH). Economy. Beirut: Islamic Media School, Khorasan Branch (In Persian).
- Salimifar, M. (1370). A Look at the Endowment and its Socio-Economic Effects (First Edition). Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. (In Persian).
- Sanei, M. (1379). Anfal and its Effects in Islam. Qom: Islamic Propaganda Office of the Seminary (In Persian).
- Shahabi, A, A. (1349). An Introduction to the Culture of Waqf in Islam. Tehran: Tehran University (In Persian).
- Shabani, A; Kashian, A, M; & Askari, M, M. (1394). Explain the Influential Components in Designing a Model for Integrating the System of Islamic Financial Resources and Conventional Taxes in Iran and Present a Model. Bi-Quarterly Journal of Islamic Economics Studies, 6 (12), 361-406. doi: 10.30497 / ies.2019.2369
- Shabani, A; & A, M, Kashian (2015). Designing a Mechanism for Introducing Khums into the Iranian Economy and its Potential Economic Effects. Bi-Quarterly Journal of Islamic Economics Studies, 8 (16), 39- 74
- Tavassoli, M, I. (1394). Jurisprudential Feasibility Study of Reviving Zakat on Current Cash. Quarterly Journal of Tax Research, 2 (7), 27-48 (In Persian).
- Tavakoli, M, J; & Bahraini, H. (1394). Distinction of Supportive and Service Taxes in the Islamic Tax System. Journal of Tax Research, 25 (73), 201-230 (In Persian).
- Tabatabai, M, H. (1362). Sunan al-Nabi (Muhammad Hadi Fiqh, translator). Tehran: Islamieh (In Persian).
- Zamakhshari, M. (2006), Al-Kashaf. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh (In Persian).